

اصول نیابت

دند کوچک

مترجم: آرینه سرکیسیان

روشها کاربرد غلبه بر وسوسه ها جنسی

اصول نیابت

نویسنده: رند آکورن

مترجم: آرینه سرکیسیان

چاپ و انتشار: سازمان خدماتی راه مسیح

کلیهی حقوق چاپ و نشر برای سازمان خدماتی راه مسیح محفوظ است.

Originally published in English under the title:

The Purity Principle by Randy Alcorn

Copyright © 2003 by Eternal Perspective Ministries

a division of Penguin Random House LLC

Farsi edition © (2017) Rahe Masih

543 AJ Allen Circle, #A2, Wales, Wisconsin 53183

فهرست

۵	—	تحسینات	—
۷	—	قدردانی	—
۹	—	فصل اول: پشت کردن به آنچه می توانست باشد.	—
۱۵	—	فصل دوم: خودشیفتگی آشکار	—
۲۵	—	فصل سوم: اهمیت روابط جنسی	—
۳۲	—	فصل چهارم: نشانه گذاری شده و آسیب پذیر	—
۴۰	—	فصل پنجم: جنگ در ذهن شماست	—
۵۱	—	فصل ششم: استراتژی خردمندانه	—
۶۰	—	فصل هفتم: به طور افراطی عمل نمودن	—
۷۰	—	فصل هشتم: رهنمودهایی برای افراد مجرد	—
۷۵	—	فصل نهم: رهنمودهایی برای زوجین و والدین	—
۸۲	—	فصل دهم: اعتراف، پاسخگوئی، سنجش بها	—
۸۸	—	سخن آخر	—
۹۱	—	سؤال آخر	—

تحسینات

کتاب اصول نجابت، به طور واضح درباره فواید حفظ نجابت و پائدا منی و مضرات بجهنمواری در زندگی سخن می‌گوید. رندی الورن: به ما نمک من کند تا بتوانیم به پاکی و نجابت دست یابیم و پاکی بمانیم.

-دنسی دینلی؛ مدیر برنامه رادیویی
FAMILY LIFE

این کتاب توجّه کرده است: اما قادر نمند است. رندی الورن: در این کتاب جزایست همان جنس را با ازیزش من شمارد و به ما نشان من دهد که نجابت و پائدا منی تغییری بهتری است.

جاشاوا هریس؛ نویسنده کتاب BOY MEETS GIRL

کتاب اصول نجابت به الگوی زندگی ارائه من دهد و به ما نمک من کند تا زندگی سرشار از پاکی و نجابت را تجربه نماییم. این کتاب را بخوانید و آن را در اختیار همسر، فرزندان و دوستان تان ضرار دهید و مطمئن باشید این کتاب باعث برآت آن نیز خواهد بود.

-دکتر گری باربارا روزبرگ؛ نویسنده کتاب DIVORCE-PROOF YOUR MARRIAGE

رندی الورن: با قلب یک شبان و جدیت و صراحت یک نبی درباره انتخاب هایی هشدار من دهد که من توانند ما را به سوی انحطاط اخلاقی هدایت نکند. او با تعالیم کتاب مقدس و ارائه مثمره های کاربردی ما را به سوی آزادی اخلاقی، برآت و شری علیم رهمنوی می سازد.

-تنسی لامی دموس؛ مجری برنامه و نویسنده کتاب LIES WOMEN BELIEVE

تقدیم به برادران و خواهرانم در مسیح که در او و با او پیروز گشته‌اند و از لذت‌های زودگذر و فریبنده روی گردانده‌اند تا بتوانند با شادی از لذت واقعی و بزرگتری برخوردار شوند.

«تو راه حیات را به من خواهی آموخت؛ در حضور تو کمال شادی است، و به دست راست تو لذت‌ها تا ابدالآباد.» (مزمور ۱۶: ۱۱)

قدرتانی

می خواهم از کمک های بی دریغ و ارزشمند
دوستم لری لیبی؛ که ویراستار این کتاب
است تشکر کنم. او دست نوشه های مرا
خلاصه نویسی کرد و آنچه اکنون در این
صفحات می خوانید، چکیده‌ی نوشتگات من
است. هر گز نمی دانستم که یونس ۲ : ۸ به
عدم پاکی جنسی اشاره می کند. گنجاندن
این آیه که مرتبط با موضوع این کتاب
است، پیشنهاد لری بود.

فصل اول

پشت کردن به آنچه که می‌توانست باشد.

اریک سراسیمه وارد دفترم شد و به سرعت بر صندلی نشست و گفت: "من از دست خدا عصبانیم!"

اریک در یک کلیسای قدرتمندی رشد یافته بود و سپس با یک خواهر ایماندار ازدواج کرده بود ولی حالا او نمونه‌ی یک انسان بدبخت به معنی خاص کلمه گشته بود.

- "خیلی خوب... چرا از خدا عصبانی هستی؟"
- گفت: "هفته‌ی گذشته مرتكب زنا شدم."

با مکثی طولانی بالاخره به او گفتم: "می‌فهمم که چرا خدا باید از تو عصبانی باشه. اما چرا تو از خدا عصبانی هستی؟ من این را درک نمی‌کنم!" اریک توضیح داد چند ماهی است که حسی دوطرفه بین من و یکی از همکارانم ایجاد شده است. با جدیت دعا کردم تا خدا مرا از گناه (بی‌عفتی) دور نگاه دارد. از اریک پرسیدم: "آیا از همسرت خواستی که برای تو دعا کند؟ آیا از آن زن دوری کردی؟"

- "خوب... نه! تقریباً هر روز برای ناهار بیرون می‌رفتیم."

به آرامی شروع به هُل دادن کتابی حجیم به طرف لبه‌ی میز کردم. اریک هم بدون اینکه متوجه باشد دارد چه اتفاقی می‌افتد فقط تماشاگر این صحنه بود. همین‌طور که کتاب به لبه‌ی میز نزدیک می‌شد، بلند دعا کردم، "خدایا! لطفاً نگذار این کتاب

بیافتد!" به هُل دادن کتاب و دعا نمودن ادامه دادم. خدا قانون جاذبه‌ی زمین را از کار نیانداخت و کتاب از لبه‌ی میز افتاد. به اریک گفتم: "من از خدا عصبانی‌ام! از او خواستم اجازه ندهد کتابم بیافتد ... اما او مرا ناامید کرد!"

انتخاب‌هایی که ما را به نابودی می‌کشاند.

هنوز هم صدای افتادن آن کتاب حجمی، را به یاد می‌آورم آن واقعه تصویری از زندگی اریک را در ذهنم تداعی می‌کرد. او جوان با استعدادی بود که خدا او را با همسر و دخترش برکت داده بود. اریک قابلیت‌های بسیاری داشت. اما داستان اریک آن روز تمام نشد. او کم کم از لحاظ جنسی بیمار شد و بالاخره روزی به دخترش تجاوز کرد. الان سال‌ها است که در زندان است. او توبه کرده است اما هنوز هم توان کشاندن زندگی‌اش به لبه‌ی پرتگاه و سپردن آن به جاذبه را پرداخت می‌کند.

چقدر از ما مسیحیان امیدواریم که خدا ما را از مصیبت و بدختی حفظ کند، در حالی که هر روز تصمیماتی بی‌ارزش و غیراخلاقی می‌گیریم که می‌توانند ما را به آرامی به سمت بی‌اخلاقی‌های جدی‌تری سوق دهند. (نظرسنجی‌های انجام شده نشان می‌دهد که نیمی از ۱۵۰۰ مرد شرکت کننده در این نظرسنجی‌ها در هفته‌ی گذشته به نوعی با موضوع پورنوگرافی ارتباط داشته‌اند).

تیفانی و کایل؛ هم از کودکی در کلیسا بزرگ شده بودند. وقتی مسئول جوانان در مورد رابطه‌ی جنسی قبل از ازدواج هشدار می‌داد، هر دوی آن‌ها این موضوع را جدی نگرفتند. فیلم‌ها، تلویزیون و موزیکی که آن‌ها گوش می‌کردند، آن‌ها را به داشتن رابطه‌ی جنسی ترغیب کرد. شبی بعد از جلسه‌ی جوانان، تیفانی

تسلیم کایل شد. این تجربه دردنگ و تهوع آور بود! اصلاً شبیه فیلم‌ها نبود. بعد از آن تیفانی احساس وحشتناکی داشت. کایل از تیفانی عصبانی بود چون فکر می‌کرد تیفانی نباید اجازه می‌داد که این اتفاق رخ دهد.

بعد از آن تجربه تیفانی تسلیم پسران بیشتری شد با این فکر که بتواند شخص مورد علاقه‌ی خود را پیدا کند که هیچ وقت هم پیدا نکرد. پسرها یکی پس از دیگری از او سواستفاده کردند و به راه خود رفتند. دیگر در جلسات کلیسایی شرکت نمی‌کرد و روزی متوجه شد که باردار است. دوستی او را به کلینیک سقط‌جنین رساند. حالا خاطره‌ی قتل کودکش نیز او را رها نمی‌کرد.

تیفانی؛ می‌توانست به سوی مسیح بازگردد زیرا عیسی او را می‌بخشید، اما قلب او شکسته و بسته شده بود و ایمان نداشت که می‌تواند به سوی مسیح بازگردد. تیفانی؛ اقدام به خودکشی کرده، اما موفق نشد. حالا معتاد به مواد مخدر است و یک فاحشه‌ی خیابانی است. باری دیگر به او تجاوز شد و همین اواخر جنین دیگری را سقط کرد. مرگ در چشمان او دیده می‌شد و امید از زندگیش رخت بسته بود. اما درباره‌ی کایل؛ او حالا علاقه‌ای به مسائل روحانی ندارد. دانشجو است و تفکرات الحادی دارد. با دختران مختلفی رابطه‌ی جنسی دارد و حس پوچی او را رها نمی‌کند و مشتاق انجام کارهایی است که باعث شادی او گردد.

لوسیندا؛ خواهری ایماندار است. روزی به این نتیجه رسید که همسرش دیگر جذاب نیست. همسرش مردی روحانی، شرافتمند و سخت‌کوشی بود که هیچ شباهتی به هنرپیشه‌های هالیوودی نداشت. لوسیندا؛ با مرد دیگری رابطه‌ای را آغاز کرد که نهایتاً به ازدواج آن‌ها انجامید. او خود و خانواده‌اش را با غمی عمیق رویه‌رو کرد. سال‌ها بعد لوسیندا؛ نزد مسیح این‌گونه اعتراف کرد که: "کاش می‌توانستم همسر اولم را برگردانم، اما می‌دانم که حالا

خیلی دیر است! "بله؛ خداوند لوسیندا؛ را بخشید و هنوز برای او برنامه‌هایی دارد ولی او بهای بسیاری پرداخت.

یونس نبی در شکم ماهی‌بزرگ، در دریای مدیترانه به وضعیتش نگاهی انداخت و به این نتیجه رسید که: "آنان که بتهاي بي ارزش را عبادت مي‌کنند، وفاداري خويش را ترك مي‌گويند." (یونس ۲: ۸)

بُت چيزى بيشتر از مجسمه‌اي خندهدار بالبانى بزرگ و شكمى برجسته است. بُت جايگزينى برای خداوند است. هر چيزى که بخواهد ارزشى بيشتر از خداوند در زندگى ما داشته باشد، تبديل به بت مى‌گردد، تكىه بر چنین بتهايى ما را وارد يك معامله مى‌کند. رفتار جنسى ما نشان مى‌دهد که چه چيزى بر زندگى ما فرمان مى‌راند. (روميان ۱: ۱۸ - ۳۹) گناهان جنسى همانند بتپرستى است چون اميال، جاي خداوند را مى‌گيرد.

كساني که از خدا رو برمى‌گردانند تا جايگزين ديگري را در آغوش گيرند، فرصت بزرگى را از دست مى‌دهند. چرا؟ چون آن‌ها خلق شده‌اند تا شادي حقيقي را در خداوند تجربه کنند نه در جايگزين او. آن‌ها برکت حضور خدا و برکات آينده را با چيزى موقتى و گذرا که قابل چشيدن، ديدن و حس‌كردن است، معاوضه مى‌کنند. اما آن جايگزين هرگز آن‌ها را ارضاء نخواهد کرد. من بارها اين اشتباه را تکرار کرده‌ام. شما چطور؟ متأسفانه هر گناه‌كارى آنچه که دارد و مى‌تواند داشته باشد را با دروغى معاوضه مى‌کند. بعضى اوقات دروغ رشد مى‌کند و احتمال خطر بيشتر مى‌گردد، آن زمان است که ما زندگى خود را به سمت نابودى سوق مى‌دهيم. برای افزودن به ترشح هورمون‌های گذرا و تحقق بخشیدن به خيالات واهی خود، آينده را به حراج مى‌گذاريم. اين معامله‌اي وحشتناک است. معامله‌اي با شيطان، که پدر دروغگويان است.

هر روز مسیحیان بسیاری خوشبختی آینده‌ی خود را فدای تحریک جنسی و لذت موقتی می‌کنند. مثل معتادان از موادی به موادی دیگر و از دُوزی به دُوزی بیشتر پناه می‌بریم. رضایت زندگی پرهیزگارانه (Righteous) را با فرصت‌های زودگذر معاوضه می‌کنیم که باعث می‌شود تا حس پوچی بیشتری را تجربه کنیم و حریص‌تر گردیم. اریک مرتكب چنین اشتباهی شد. او به زنی که به او عشق می‌ورزید، به دختری که پدرش را دوست داشت و به رابطه‌ی خود با دوستان و خانواده، همکاران و کلیسا پشت کرد. او راه رفتن با عیسی را ترک کرد و در آخر اسیر گشت.

با هر نگاهی که شهوت را در ما مشتعل بسازد، خود را به لبه‌ی پرتگاه نزدیک‌تر می‌بینیم و طبیعتاً نیروی جاذبه کنترل امور را در دست می‌گیرد و همه‌ی زندگی‌مان را به تباہی می‌کشد. ولی ما چه چیزی را از دست می‌دهیم؟ چه چیزی را ترک می‌کنیم که متعلق به ما بود یا می‌توانست مال ما باشد؟

امروز وضعیت تیفانی؛ چگونه بود اگر او خود را پاک نگاه می‌داشت؟ به جای این که فاحشه‌ای باشد و عذاب وجودان تجاوز و سقط‌جنین چون سایه‌ای او را دنبال کنند، می‌توانست برای عیسی بدرخشد. در کمپ‌ها و کالج‌ها برای مسیح بسراید و شادی و امید در زندگیش موج بزند. کایل؛ هم همین طور! فقط اگر...

لوسیندا؛ چطور؟ لوسیندا؛ هم آنچه به او متعلق داشت یا می‌توانست مال او باشد را رها کرد. چه کسی می‌داند که فیض خدا چه چیزی را برای او تدارک دیده بود. وجودانی راحت و آرامشی ذی قیمت؟ عمری طویل در محیط گرم خانواده؟ احترام و عشق به فرزندان و نوه‌ها؟ زنی شکیبا که می‌توانست الگوی شکیبا یی گردد؟ خدمتی که می‌توانست هزاران انسان را تحت تأثیر قرار دهد؟ پاداشی دور از تصور در زندگی آینده؟ بله! خداوند تمامی این عطاها

را بخشیده است. به طور کامل! اما عواقب تصمیمات لوسیندا؛ بر جای ماند.

بعضی از خواننده‌های این کتاب، از چنین عواقبی آزار دیده‌اند و مأیوس و شکستخورده هستند. بعضی از افراد نجابت (عفت) خود را فروختند. بعضی حتی هیچ تلاشی نکردند تا از چنین وضعیتی بگریزنند. ما باید دوراندیش باشیم و بدانیم که انتخاب‌های امروز، چه آینده‌ای را برای ما رقم خواهند زد.

بعضی از فرصت‌ها، اگر از دست بروند، دیگر نمی‌توان آن‌ها را بازگرداند. ما نمی‌توانیم با خیالات زندگی کنیم. (... زندگی باید این گونه باشد ...) ما تنها باید به واقعیت اعتراف کنیم و با فیض خدا به راه خود ادامه دهیم.

در فیلم شاهزاده کاسپین، اثرِ سی.اس لوئیس، لوسی؛ بعد از اینکه فرمان اصلاح را نادیده می‌گیرد، پشیمان می‌شود و از او می‌پرسد: اگر زودتر به دنبال صدای او می‌آمد و دست از بهانه‌تراشی بر می‌داشت چه اتفاقی انتظار او را می‌کشید؟ اصلاح بزرگ پاسخ می‌دهد: "اگر بدونی چه اتفاقی می‌افتاد دخترم ..." ولی هرگز کسی به تو چنین چیزی را نمی‌گوید!

فصل دوم

خودشیفتگی آشکار

موضوع تکان دهنده‌ای که درباره‌ی اریک؛ لوسیندا؛ تیفانی و کایل وجود دارد این است که همه‌ی آن‌ها فکر می‌کردند با تسلیم شدن به شهوت‌شان سودی عایدشان می‌شد. اگر این امکان وجود داشت که قبل از خدشه‌دار شدن پاکی و نجابت‌شان با آن‌ها مصاحبه‌ای ترتیب می‌دادیم، احتمالاً می‌گفتند: "هدف لذت من است! باید خوشحال باشم!" با این حال این گونه نشد تا به امروز آب خوش از گلوی آن‌ها پائین نرفته است و اصلاً هم شاد نیستند.

در واقع آن‌ها نه تنها به دیگران آسیب زدند بلکه ناآگاهانه به منافع شخصی خود نیز صدمه زدند. کاری که آن‌ها کردند فقط یک اشتباه نبود، بلکه کاری احمقانه بود.

همه‌ی ما می‌دانیم که به چه دلایلی باید نجابت و پاکی خود را حفظ کنیم. خداوند پاکی (عفت) می‌خواهد و ناپاکی (بی‌عفتی) را منع می‌کند. خالص بودن همیشه درست است و ناخالصی اشتباه. آیا این طور نیست؟ بله! کاملاً! این حقیقت به این معنا است که عفت و پاکدامنی همیشه هوشمندانه است و بی‌عفتی احمقانه! من اسم آن را اصول نجابت می‌گذارم.

پاکی همیشه هوشمندانه است؛ ناپاکی همیشه احمقانه! نه بعضی وقت‌ها! نه گاهی! بلکه همیشه!

شما هم از این اصل مستثنی نیستید. استثنایی وجود ندارد. خدای قدوس، خلقت را با نظم خاصی آفریده تا اعمالی که مطابق با شخصیت او و قوانین نشأت گرفته از شخصیت او انجام می‌گیرند، همیشه تحسین برانگیز باشند. اعمالی که در تضاد با شخصیت و ذات مقدس او قرار گیرند، همیشه مورد غضب او خواهند بود و مجازاتی را در پی خواهند داشت. خداوند هر عمل عادلانه‌ای را پاداش و هر عمل نعادلانه را جزا می‌دهد.

این بدان معنا نیست که خدا همیشه مستقیماً دخالت می‌کند. این قاعده‌ی اخلاقی همانند قانون جاذبه عمل می‌کند. خداوند آن را مقرر کرده است. وقتی راننده‌ای بی‌دقیقت در جاده‌ای لغزنده با سرعت بالا کنترل خودروی خود را از دست می‌دهد و ماشین از لبه‌ی پرتگاه به دره پرت می‌شود، خداوند در همان لحظه جاذبه را خلق نمی‌کند تا راننده را به خاطر بی‌دقیقتی مورد تنبیه قرار دهد. قانون جاذبه وجود داشت، چه قبل و چه بعد از تصادف!

بنابراین این گونه نیست که خدا معتقدین به پورنوگرافی را برای هر عمل اشتباه مورد مجازات قرار دهد. مجازات ثمره‌ی گناه است و شرم، تنزل و تخریب شخصیت به عنوان میوه‌های گناه یک به یک پدیدار می‌گردند. کتاب مقدس کسانی را که تحت تسلط شهوت خود زندگی می‌کنند، بی‌اخلاق (بی‌عفت) می‌نامد و در رومیان ۱:۲۷ در مورد عاقبت آن‌ها سخن می‌گوید: «... مکافات در خور انحراف‌شان را در خود یافتند.»

قوانین اخلاقی حاکم بر خلقت نیز این گونه است. ما می‌توانیم راه خود را انتخاب کنیم اما با هر انتخاب، عواقبی غیرقابل جبران حاصل می‌شود.

بعضی اوقات جاده‌های زندگی بسیار خطربناک هستند. اما خداوند ما را آن‌قدر دوست دارد که علامت هشدار دهنده‌ای بر سر راه ما قرار داده است: "زنا نکن!" و "قبل از ازدواج رابطه‌ی جنسی

نداشته باش!" ما مجبور به اطاعت نیستیم. اما باید بدانیم که این خود ما هستیم که باید عواقب انتخاب‌های خود را بپذیریم. پاکی و نجابت در ما احساس امنیت ایجاد می‌کند. ناپاکی و بی‌عفتی خطرناک است. پاکی همیشه به ما کمک می‌کند. ناپاکی همیشه به ما آسیب می‌زند. پاکی هوشمندانه است و ناپاکی همیشه احمقانه. این جمله را یادداشت کنید و بر اساس آن عمل و زندگی نمائید.

به وضعیت دو مردی که عیسی در انجیل متى به آن‌ها اشاره می‌کند، دقت کنید:

«پس هر که این سخنان مرا بشنود و به آن‌ها عمل کند، همچون مرد دانایی است که خانه‌ی خود را بر سنگ بنا کرد. چون باران بارید و سیل‌ها روان شد و بادها وزید و بر آن خانه زور آورد، خراب نشد زیرا بنیادش بر سنگ بود. اما هر که این سخنان مرا بشنود و به آن‌ها عمل نکند، همچون مرد نادانی است که خانه‌ی خود را بر شن بنا کرد. چون باران بارید و سیل‌ها روان شد و بادها وزید و بر آن خانه زور آورد، ویران شد، و ویرانی اش عظیم بود!» (متی ۲: ۲۴ - ۲۷)

عیسی اطاعت را با ملاک پرهیزگاری نمی‌سنجد، بلکه بر اساس حکمت و ناطاعتی را با غلط بودنش نمی‌سنجد بلکه با حماقتیش. در این‌جا انسان‌ها با تصمیمات احمقانه و اشتباهشان، باعث "ویرانی عظیمی" می‌گردند. در این متن به انسان مطیع "صالح" نمی‌گوید بلکه او را حکیم خطاب می‌کند. یعنی شخص مطیع، باهوش و زیرک است.

پیروزی بزرگ شیطان و بزرگ‌ترین شکست ما زمانی اتفاق می‌افتد که او ما را مجاب می‌کند که از خود بپرسیم: "آیا واقعاً باید آن‌چه خدا گفته را انتخاب کنم؟ یا باید بهترین را برای خود انجام دهم؟" شکل این سؤال بیان‌گر این است که چگونه فریب

می خوریم. ما همیشه اراده‌ی خداوند را انتخاب نمی‌کنیم. تا زمانی که مطمئن نباشیم اراده‌ی خدا برای ما بهترین است، از آن اطاعت نمی‌کنیم.

انگیزه‌های چندگانه

شما ممکن است بگویید: "صبر کن یک دقیقه! آیا مقدس بودن با انگیزه‌ی دریافت پاداش کار درستی است؟ شما دارید در مورد انگیزه‌ای خودخواهانه و غیرروحانی حرف می‌زنید! آیا نباید انگیزه‌ی فرد مسیحی فقط محبت به خداوند باشد؟" نه، مشخصاً!

نه!

کتاب مقدس انگیزه‌های مختلفی را پیش روی ما قرار می‌دهد تا از کلام خدا پیروی کنیم. محبت یکی از آن‌ها است. اما کتاب مقدس دو انگیزه‌ی دیگری را نیز به شکلی آشکار پیش روی ما قرار می‌دهد که مستقیماً حس خودخواهی را در ما تحریک می‌کند. ترس از خدا و امید به پاداش.

اگر فکر می‌کنید این انگیزه‌ها غیر روحانی هستند پس ما در دریافت مفاهیم کتاب مقدس درست عمل نکرده‌ایم.

ترس از خدا احترامی دوچندان به خاطر قدوسیت اوست، که شامل ترس از عواقب ناطاعتی نیز می‌شود. سنجش این ناپاکی‌ها ما را به سمت پاکی سوق می‌دهد. چون خدا ذاتاً پاداش دهنده است ما می‌توانیم این گونه در مورد پاکی استدلال کنیم. (عبرانیان ۶: ۱۱) و مطمئناً تصمیماتی که باعث خشنودی او بگردند پاداش او را به دنبال خواهند داشت. اطاعت از اراده‌ی خدا و انجام روش‌های او مجموعه‌ای از نادرترین و شگفتانگیزترین احساسات را در ما ایجاد می‌کند، به عنوان مثال حس شادی.

«امروز آسمان و زمین را بر شما شاهد می‌گیرم
که زندگی و مرگ، و برکت و لعنت را پیش
روی تان نهادم. پس زندگی را برگزینید تا شما و

نسل تان زنده بمانید؛ یهوه خدای خود را دوست بدارید،
از صدای او اطاعت کنید و به او بچسبید، ذیرا او
زنگی شما و درازی عمر شماست، تا در سرزمینی که
خداآوند برای پدران تان، ابراهیم و اسحاق و
یعقوب، سوگند خورد که آن را بدیشان
دهد، قرار یابید.» (ثنیه ۳۰: ۲۰-۱۹)

ما می‌توانیم برکت را انتخاب کنیم: شادی، آرامش، زندگی،
امید و خنده را یا می‌توانیم لعنت را برگزینیم: بدختی، زخم‌ها و
مشتی خاکستر. وقتی قائن؛ نخست‌زاده‌ی آدم، در دو راهی اخلاقی
قرار گرفت، خداوند به مهربانی او را خطاب قرار داد و چنین
استدلال کرد:

«آنگاه خداوند به قائن گفت: از چه سبب
خشمنگینی و چرا دلیرش گشته‌ای؟ اگر آنچه را که
نیکوست انجام دهی، آیا پذیرفته
نمی‌شود؟ ولی اگر آنچه را که نیکوست
انجام ندهی، بدان که گناه بر در به کمین نشسته
و مشتاق توست، اما تو باید بر آن چیره شوی.» (پیدایش ۴: ۶-۷)

خداوند داشت می‌گفت که اگر نقشه‌های مرا انتخاب کنی
خوبشختی را خواهی یافت و لبخند بر چهره‌ات خواهد نشست.
مطمئناً این جهان، جهان سقوط کرده‌ای است. اما اگر تو به امیال
گناه‌آلود خود غلبه کنی و با من هم‌قدم شوی، آرامش مرا تجربه
خواهی کرد. اگر استانداردهای مرا رد کنی، تسليم نیروهایی خواهی
شد که زندگی تو را به تباہی می‌کشند.

استدلالی هوشمندانه و احمقانه

آیا خداوند واقعاً بر پاکی جنسی تأکید می‌کند و آن را انتخابی
هوشمندانه می‌نامد در حالی که ناپاکی را حماقت می‌داند؟ خودتان
قضاؤت کنید:

«چرا سرمست زن بیگانه باشی
و با زن زناکار هم آغوشی کنی؟
زیرا راههای انسان در برابر چشمان خداوند
است و همه‌ی طریق‌های او را می‌سنجد.
بدکاری‌های شریر به دامش می‌افکند، و در
بند گناهان خویش گرفتار می‌آید.
از بی‌ادبی خواهد مرد، و از جهل بسیار
گمراه خواهد شد.» (امثال ۵: ۲۳)

اما براستی چرا باید از زنا دوری کرد؟ چون خداوند زنای ما را
می‌بیند و ما را داوری خواهد کرد. اما حتی قبل از روز داوری «انسان
در بند گناهان خویش گرفتار می‌آید.» زناکار در دام می‌افتد؛ او
خواهد مرد. او در ابتدا قربانی حماقت خود خواهد شد. اما کسی که
خود را پاک نگاه می‌دارد می‌تواند "شادی کند" و "در بند" عشق
همسرش باشد و از اتحاد جنسی خود لذت ببرد. (امثال ۵: ۱۸ –
(۱۹)

در باب بعدی خداوند می‌پرسد:

«آیا کسی تواند آتش را در آغوش گیرد و
جامه‌اش نسوزد؟ آیا کسی تواند بر اخگرهای سوزان راه رود و
پاهاش نسوزد؟ نیز چنین است آن که با زن همسایه‌اش
بخوابد، زیرا هر که او را لمس کند از مجازات
نخواهد رست.» (امثال ۶: ۲۷ – ۲۹)

كتاب امثال شخصي که به زنا گرفتار آمده را به "گاوی در راه
کشتارگاه" و آهو یا پرندۀ‌ای که به دام شکارچیان افتاده است،
تشبيه می‌کند. (امثال ۷: ۲۱ – ۲۷)

ایمانداری که در حال آزاد شدن از اعتیاد جنسیش بود روزی
به من نزدیک شد و گفت: "معتادان همیشه فکر می‌کنند که
می‌توانند از اعتیادشان آزاد شوند. ولی زمانی تغییر در تو شروع

می‌شود که بفهمی به تنها یی قادر به انجامش نیستی. من هرگز
نمی‌توانم از بی‌اخلاقی جنسیم دست بکشم و خداوند می‌خواهد که
من این را به یاد داشته باشم! و آن هم به خاطر خودم!"

انتخاب کنید.

شبی به عنوان شبانی جوان تصمیم گرفتم که فیلمی مستهجن
تماشا کنم. احساس بدی داشتم. خداوند، همسر و کلیسا یم را نالمید
کردم. کارم احمقانه بود. من تصویر وحشتناکی که ممکن بود به
راحتی به آن تبدیل شوم را دیدم. اما احساس شرم نتوانست مرا
آزاد کند. من فکر کردم و انتخابات پیش روی خود را بررسی کردم.
آیا شما واقعاً می‌خواهید همچون گاوی در راه کشتارگاه باشید؟
اگر این طور است به رفتار نامناسب خود با مرد همسایه یا منشی
جدید خود ادامه دهید. به فکر کردن درباره‌ی دختر یا پسری که در
کلاس درس کنار شما نشسته ادامه دهید. به تماشای فیلم‌های
تلوزیونی، سریال‌ها و تبلیغاتی که تصاویر مستهجن را مانند
گلوله‌ای به سوی شما شلیک می‌کنند، ادامه دهید. شما به سمت
کشتارگاه می‌روید.

اما اگر انتخاب بهتری می‌خواهید، گزینه‌ی شگفت‌انگیز پاکی
و نجابت را انتخاب کنید. سعی کنید در این امر اولین باشید. دفاع
از بکارت درست است! خوب است که فرزندان تان را تشویق کنید
تا خود را برای ازدواج مقدس نگاه دارند، نه فقط برای جلال خدا،
بلکه برای خوشحالی و خوشبختی خودشان!

کاملاً به جاست که برای دور بودن از غم و غصه و خودتخریبی
از ناپاکی اجتناب کنیم. کتاب امثال دقیقاً چنین کاری را توصیه
می‌کند.

یکی از شیوخ کلیسا نزد من اعتراف کرد و گفت: "بارها با
وسوسه‌ی شدید جنسی روبرو بودم. باید بگم که عشقم به خداوند
و همسرم را از سقوط محافظت کرد. من ترس خالص راوضوحاً

به چشم دیدم. مطمئن بودم که اگر در این مسیر قدم بردارم خداوند اجازه می‌دهد که بدبختی به سراغم بیاد."

او مرد حکیمی است. مردی که به نفع خود عمل کرد. او می‌دانست ناپاکی مجازات و پاکی پاداش خود را به همراه دارد، آن هم پاداشی ملکوتی! معامله‌ی غیرمنطقی‌ای بود، او متضرر می‌شد بنابراین او با تیزهوشی از زیر این معامله شانه خالی کرد.

آیا این انگیزه، کمارزش است؟ خیر! این برادر هرگز لغش نخورد و سقوط نکرد. هرگز خانواده‌ی خود را خانه‌خراب نکرد. هرگز کلیسا‌ی خود را شرمنده نکرد. هرگز قلب زنش را نشکست. هرگز فرزندانش را نالمید نکرد. هرگز خدمتش را خراب نکرد. آیا فکر می‌کنید همسر و فرزندانش به خاطر ترس او از خدایی که او را در مقابل هوس‌های تاریک پاک نگاه داشت، شاکر هستند؟ قطعاً! ترس از خداوند نباید ما را هراسان کند بلکه باید منطق ما را به کار بیاندازد تا از تسلیم شدن به این موقعیت‌ها اجتناب کنیم.

«ترس خداوند، چشمه‌ی حیات است تا آدمی خویشتن را از دامه‌ای مرگ دور بدارد.» (امثال ۱۴: ۲۷)

کسانی که نسبت به وسوسه‌های جنسی تسلیم می‌شوند به نفع خود عمل نمی‌کنند و بالاخره متضرر خواهند شد. آن‌ها فکر می‌کنند به دنبال منافع خود هستند، زیرا شیطان آن‌ها را فریب داده و آن‌چه باعث خسaran و ضرر است را به جای موضوعی سودآور ارائه کرده است. اگر آن‌ها واقعاً به دنبال منفعت شخصی‌شان بودند از نزدیکی ماری چنبره زده یا نارنجکی از ضامن خارج شده، می‌گریختند. آن‌ها آن‌چنان پاکی را به آغوش می‌کشیدند که انگار تیوپ نجات آن‌ها در میان اقیانوس خروشان است و چقدر زندگی خود و خانواده‌ی آن‌ها متفاوت می‌بود اگر آن‌ها چنین عمل می‌کردند.

وقتی خداوند شما را به پاکی فرا می‌خواند، از شما نمی‌خواهد که خود را از شادی محروم کنید، در واقع شما خوانده شده‌اید تا آن چیزی را انجام دهید که عظیم‌ترین شادی را برای شما به ارمغان بیاورد.

انتخاب پاکی یعنی خود را تحت برکت خداوند قرار دادن. انتخاب ناپاکی یعنی خود را زیر لعنت خداوند قرار دادن. تصمیم با شماست. شما با هر تصمیم حکم خود را صادر می‌کنید. این انتخاب‌ها در دو دعا جمع‌بندی می‌شود:

– خداوند! مرا برکت ده به خاطر اطاعت از تو.
– خداوند! مرا لعنت کن به خاطر ناطاعتی از تو.
کدام یک از این دو دعا وضعیت شما را نشان می‌دهد؟ کدام دعا از انتخاب‌های شما سرچشمه می‌گیرد؟

مبارزه‌ی تاکتیکی

نظرسنجی‌های معاصر نشان می‌دهد که میزان بی‌اخلاقی‌های جنسی مسیحیان با بی‌اخلاقی‌های جنسی غیرمسیحیان برابری می‌کند. تقریباً غیرممکن است تشخیص دهید مرز دنیا کجا تمام می‌شود و کلیسا از کجا آغاز می‌شود.

شکست در اطاعت از فرامین کلام‌خدا در این زمینه ما را در انجام آنچه که به آن خوانده شده‌ایم ناتوان می‌سازد. چرا؟ چون اگر مثل دنیا باشیم، چیزی برای ارائه‌ی به دنیا نخواهیم داشت. جهان غرق در گناه هیچ وقت از طریق کلیسا‌ی نامقدس توبه نخواهد کرد.

چرا نجابت و عفافِ جنسی بخشی مهم از پاداش زندگی ما هستند؟ چرا روابط جنسی قبل از ازدواج و خارج از ازدواج سمی هولناک بر علیه‌ی شادی ما است؟ چرا با این که بسیاری امتحان کردند و چشیدند و دیدند، اما با این حال شکست خوردنده؟ شکست

و مجدداً شکست؟ چگونه می‌توانیم از اغواها و دامهایی که
می‌توانند ما را اسیر سازند و زندگی ما را بدرند، اجتناب کنیم؟
اغراق نیست اگر این مسأله را موضوع مرگ و زندگی بنامیم.
 ساعتی که صرف خواندن این کتاب می‌کنید شما را از فاجعه‌ای
هولناک دور می‌کند و شما را در مسیری قرار می‌دهد که شما و
خانواده‌تان همیشه شکرگزار آن خواهید بود.

فصل سوم

اهمیت روابط جنسی

آیا این مثل قدیمی را شنیده‌اید که می‌گوید: "همه‌ی گناهان
نzd خدا برابر هستند؟"

اما گفته‌ی پولس رسول چنین چیزی را تأیید نمی‌کند. پولس
به اغواشدگان جنسی قُرنتس می‌گوید:

«از بی‌عفتی بگریزید! هر گناه دیگر که انسان
مرتکب شود بیرون از بدن اوست، اما کسی که
مرتکب بی‌عفتی می‌شود، بخصوص نسبت به بدن
خود گناه می‌کند.» (اول قرنتیان ۶ : ۱۸)

از همان ابتدا، داشتن رابطه‌ی جنسی خارج از حیطه‌ی ازدواج
از نظر کیفی با دیگر گناهان تفاوت داشت. چرا؟ چون رابطه‌ی
جنسی خارج از ازدواج به عملی اطلاق نمی‌شود که شما مرتکب
آن شده‌اید، بلکه گناهان جنسی بیان‌گر این حقیقت هستند که شما
چه کسی هستید. وقتی رابطه‌ی جنسی خارج از حیطه‌ی ازدواج
برقرار می‌کنید، زندگی خود را به خطر می‌اندازید. چیزی را به طبق
اخلاص می‌گذارید که دیگر ممکن است به شما بازگردانده نشود.
پاکی و ناپاکی، مسائلی فراتر از دغدغه‌های اخلاقی، فرهنگی
و عملی هستند. آن‌ها می‌توانند به درون روح نفوذ کنند. آن‌ها به
هسته‌ی مرکزی کسی که هستید و کسی که خواهید شد نفوذ
می‌کنند.

رابطه‌ی جنسی را هالیوود، مدونا، یا منحرفی در چتر روم ابداع
نکرده است. رابطه‌ی جنسی را خداوند بی‌حد مقدس، پادشاهی پر-

جلال و احاطه شده با فرشتگان درخشان و مقدس خلق کرده است. نیکویی رابطه‌ی جنسی از نیکویی خالقش نشأت می‌گیرد.

«و خدا هر آنچه را که ساخته بود دید، و اینک بسیار نیکو بود.» (پیدایش ۱: ۳۱)

رابطه‌ی جنسی نیز بخشی از خلقت نیکوی خدا بود حتی بعد از سقوط! کلام خدا به وضوح از لذت در رابطه‌ی زناشویی صحبت می‌کند. (امثال ۵: ۱۸-۱۹؛ غزل‌ها ۴: ۵ و ۷: ۱-۹) رابطه‌ی جنسی روشی برای تولد کودکان و ابراز صمیمیتی عمیق بین زوجین است. هردوی این‌ها برای خداوند مهم هستند. وقتی اتحاد جنسی در مکان و زمانی مناسب با روحی بخشنده صورت می‌گیرد، خداوند لبخند می‌زند.

قدرت رابطه‌ی جنسی

به این دلیل اصول نجابت از اهمیت بسیاری برخوردار است: رابطه‌ی جنسی بسیار مهم است زیرا می‌تواند باعث اعمال نیکو یا آسیبی عظیم گردد. آتش هدیه خدادست. بدون آتش وضعیت ما چگونه می‌شد؟ آیا تا به حال آتشی را در اردوبی شبانه و سرد، زیر آسمانی صاف در قلب حیات و حش روشن کرده‌اید؟ با این حال آن آتش اگر از حدود خود خارج شده و گسترش یابد چه اتفاقی خواهد افتاد؟ فاجعه‌ای عظیم. درد! مرگ!

باشکوه‌ترین عطا‌یای خداوند اگر از حدود مشخص خود خارج شوند، به سادگی باعث نابودی می‌گردند. رابطه‌ی جنسی نیز همین‌طور است. توانایی بالقوه‌ی آن با ظاهر شرورانه‌ی دیگرش کمرنگ می‌شود. تا وقتی که آتش در محدوده‌ی خود در کنترل نگاه داشته شود، شما را گرم نگاه می‌دارد. اما اگر آتش آزاد شود، خانه‌ها را به خاکستر تبدیل می‌کند.

من با ویرانه‌های باقی مانده از زندگی افراد بسیاری روبه‌رو شده‌ام و دیده‌ام که بی‌اخلاقی چگونه می‌تواند زندگی انسان‌ها را به نابودی بکشاند. من به ناله‌های بدون امید انسان‌های بسیاری گوش سپرده‌ام وقتی که آن‌ها از خدا می‌پرسیدند آیا می‌توانند دوباره سرپا بایستند؟ (می‌توانند! اما باور به توانستن مسأله‌ی دیگری است). من صحنه‌هایی که بر روح و جانم حک شده را نمی‌توانم از یاد ببرم.

بر خلاف مسأله‌ی مطرح شده‌ی بالا، پذیرش پاکی، اذعان و تأیید حق داشتن عطاوی باشکوه است. پاکی بی‌نهایت زیباست. همانند یک گل رُز بعد از باران تابستانی است و زیبایی آن هرگز از بین نمی‌رود، چون هر که در آسمان زندگی می‌کند پاک و خالص خواهد بود.

مرز کجاست؟

بر اساس کتاب مقدس مرز، رابطه‌ی زناشویی است. رابطه‌ی زناشویی و ازدواج لازم و ملزم یکدیگرند و از هم جدا نیستند. اتحاد جنسی ابراز تعهدی از پیش تعیین شده در زندگی است. بدون ازدواج، چنین تعهدی غایب است. پس رابطه‌ی جنسی بدون تعهد دروغی بیش نیست.

رابطه‌ی زناشویی امتیازی جدانشدنی از مسئولیت مقدس تعهد و ازدواج است. بدون داشتن چنین مسئولیتی ما به منظور نظر خدا دست نیافته‌ایم. هر رابطه‌ی جنسی خارج از حیطه‌ی ازدواج هر دو موضوع را کم‌ارزش می‌گرداند.

رابطه‌ی جنسی مقرر شده تا باعث به هم پیوستن دو شخص در روح باشد نه فقط در بدن! رابطه‌ی جنسی باید با شخصی برقرار شود که شما به او تعهدی ۱۰۰ درصدی دارید. (که با ازدواجی قانونی ثابت می‌شود). نه با شخصی که شما به او تعهدی ندارید. جمله‌ی "... ولی ما واقعاً همدیگر رو دوست داریم ..." جایی در

اصول اخلاقی موجود در رابطه‌ی جنسی، ندارد. رابطه‌ی جنسی به واسطه‌ی احساسات درونی مجاز شمرده نمی‌شود، بلکه از طریق احساسات برونی، که تعهد مادام‌العمر ازدواج است، مجاز می‌گردد. این‌ها قوانین خداوند هستند. کاری برای تغییر آن‌ها نمی‌توانیم انجام دهیم. قوانین همیشه اجرا می‌شوند. وقتی قوانین را می‌شکنیم آن قوانین متقابلاً ما را در هم می‌شکنند.

راننده‌ی باهوش از محدوده و حریم جاده تجاوز نمی‌کند. ناله نمی‌کند که حفاظ کنار جاده گلگیر ماشینم را خراب کرد. راننده‌ی حکیم به دره نگاه می‌کند و ماشین‌های در هم کوبیده شده را می‌بیند و برای گاردریل خدا را شکر می‌کند. گاردریل خداوند اصول اخلاقی مقرر شده توسط اوست. آن‌ها موافعی بین ما و نابودی هستند. آن‌جا نیستند تا ما را تنبیه و محروم سازند بلکه حضور دارند تا ما را از نابودی مصون نگاه دارند.

پاکی و اراده خداوند

پولس پاراگرافی را به موضوع پاکی جنسی اختصاص می‌دهد که مقایسه‌ای بین "هوشمندی در برابر حماقت" در آن آشکار است:

«خواست خدا این است که مقدس باشید: خود را از بی‌عفتی دور نگاه دارید. هریک از شما باید بداند که چگونه در پاکی و برآزندگی، بدن خود را تحت تسلط نگاه دارد. باید همانند قوم‌هایی که خدا را نمی‌شناسند، دستخوش امیال شهوانی باشید. هیچ‌کس باید در این امر دست تجاوز یا طمع به حریم برادر خود دراز کند. چنانکه پیشتر به شما گفتیم و هشدار دادیم، خداوند همه‌ی این کارها را کیفر خواهد داد. زیرا خدا ما را نه به ناپاکی، بلکه به قدوسیت فرا خوانده است. پس، هر که این تعلیم را رد کند، نه انسان، بلکه خدایی را رد کرده که روح قدوس خود را به شما عطا می‌فرماید.» (اول تسلو نیکیان ۳: ۳-۸)

چقدر شنیده‌اید که افراد در مورد "تشخیص اراده‌ی خدا" صحبت می‌کنند؟ ما طوری از اراده‌ی خدا صحبت می‌کنیم که گوئی اراده‌ی او گمشده یا اراده‌ی او مثل مکعب روبیکی است که ذهن خلاق انسانیتین هم برای حل آن کافی نیست. اما نیازی نیست شما در مورد رابطه‌ی خارج از حیطه‌ی ازدواج و موضع خداوند در این مورد تردیدی داشته باشید. اراده‌ی خدا این است که مقدس باشید و خود را از بی‌عفتی دور نگاه دارید.

چقدر واضح است؟

بسیاری از مردم به دنبال "اراده‌ی خداوند" هستند، اما بسیاری از آن‌ها به خود زحمت نمی‌دهند که مطابق با کلام خدا زندگی کنند. کلامی که می‌گوید اراده‌ی خداوند این است. هدف از گشتن به دنبال اراده‌ی خداوند در موضوعات فرعی چیست؟ وقتی که شما از آنچه که به شما گفته است غافلید؟ منظورم پاک بودن است! شاگردان مسیح بر طبق شهوت خود زندگی نکردند، بلکه در تقدس رفتار کردند و این تقدس آن‌ها را از فرهنگ گناه‌آلود محیط‌شان جدا می‌کرد. کلیسا امروزه نیاز دارد تا به عنوان عروس بی‌لکه‌ی او جنبه‌ی مهمی از شخصیت خود را بازیابی کند. مشکل احساسات قوی نیستند، مشکل شهوت است. ما باید خداوند را عاشقانه محبت و خدمت کنیم. ما نیاز داریم تا عشق خود را نسبت به گزینه‌های صحیح بپرورانیم.

"آموختن مهارت‌های کنترل بر بدن" خود به خود ایجاد نمی‌شوند، بلکه نیازمند آموزش و تمرین هستند در غیر این صورت نیاز به یادگرفتن نبود.

مقاومت در برابر شهوت، امتناعی شجاعانه، دلیرانه و لجوچانه برای زیرپا نگذاشتند قوانین خداوند است. این به این معنا است که باید مکرراً عیسی را بخوانیم تا قوت بیابیم. آن زمان است که برای

نه گفتن به دنیا، جسم و شیطان و بله گفتن به خداوند آماده خواهیم بود. ما این کار را در تعقیب شادی مطلقی که تنها در شناخت خداوند یافت می‌شود، انجام می‌دهیم.

آهنگ بیتلز را که می‌گوید " فقط باید طبیعی رفتار کنم ..." را به یاد دارید؟ حقیقت این است که اگر طبیعی رفتار کنید به مخمصه خواهید افتاد. اما اگر فراتطبیعی زندگی کنید و قوت عیسای ساکن در درون تان را آزاد کنید و بر آن تکیه کنید، می‌توانید از فواید کنونی و آینده‌ی آن لذت ببرید.

آیا شما اراده‌ی خداوند را می‌جویید؟ واقعاً؟! پس پاکی را بپذیرید و بیاموزید که چگونه بدن خود را کنترل کنید. از سودجویی جنسی نسبت به هر کسی خودداری کنید. با این کار شما از نتایج و عقوبات هولناک آن نجات یافته‌اید و شادی مطلق و رضایت بخش عیسی را چشیده‌اید.

بدن شما متعلق به کیست؟

بعضی وقت‌ها وقتی درباره‌ی پاکی حرف می‌زنم، مدادی قرض می‌گیرم و بعد آن را از وسط می‌شکنم و به زمین می‌اندازم و آن را لگد می‌کنم. چشم‌های همه در جلسه گرد می‌شود و نفس حضار در سینه حبس می‌شود. از شخصی که مداد را از او قرض گرفته‌ام می‌پرسم چرا شوکه شدی؟ و او جواب می‌دهد: "زیرا مدادم را شکستی!"

بعد توضیح می‌دهم که مداد در واقع مال من بود، که قبل از جلسه به آن شخص داده بودم و از او خواستم هر وقت خواستم آن را به من برگرداند. ناگهان همه چیز تغییر می‌کند. به این خاطر که مال من است، پس من هر کار که بخواهم با آن انجام می‌دهم. اگر بدن من متعلق به شخص دیگری باشد من چنین حقی ندارم. اما بدن من متعلق به کیست؟

«آیا نمی‌دانید که بدن شما معبد روح القدس است که در شماست و آن را از خدا یافته‌اید، و دیگر از آن خود نیستید؟ به بهایی گران خریده شده‌اید، پس خدا را در بدن خود تجلیل کنید.» (اول قرنتیان ۶: ۱۹ - ۲۰)

وقتی به عیسیٰ ایمان آوردم، موضع و دیدگاه من نسبت به زندگی تغییر کرد. من خریده شده بودم. بهایی برای من پرداخت شده بود. چه بهایی؟ خون ریخته شده‌ی خداوند! ما مخلوقات اوییم و دوباره بوسیله‌ی او نجات یافته‌ایم. خداوند حق دارد که به من بگوید با ذهن و بدنم چه کنم. من حق ندارم با بدنی که حال متعلق به اوست هر کاری که می‌خواهم، انجام دهم.

خوبشخтанه برای من، خداوند همیشه نه تنها برای جلال خود بلکه به نفع من عمل کرده است. پس می‌توانم اعتماد کنم که هر چه او منع کرده به من آسیب می‌زند و هر چه او فرمان داده که انجام‌شان دهم برای کمک به من است.

فصل چهارم

نشانه‌گذاری شده و آسیب‌پذیر

اگر شما یک ایماندار هستید، بنابراین در تیر رس شیطان قرار دارید و نشانه‌گذاری شده‌اید. نیروهای شرارت قراردادی برای به دست آوردن شما بسته‌اند. شیطان پشت در است تا شما را از آن خود کند. اگر نتواند شما را به جهنم ببرد، سعی می‌کند که زندگی شما را بر زمین تبدیل به جهنمی تمام عیار کند.

به یاد می‌آورم زمانی که دانشجوی کتاب مقدس بودم این خبر پیچید که شبان معروف و پرآوازه‌ای به خاطر زنا دچار لغش اخلاقی شده است. آن زمان با خود گفتم: "من! هرگز! هرگز به خداوند و همسرم به این شکل خیانت نمی‌کنم. من نه!" به فیض خداوند من به جز همسرم با کس دیگری رابطه‌ی جنسی نداشته‌ام. اما علت آن است که من حکیمانه عمل نموده‌ام چون من با این حقیقت ترسناک بارها روپروردیدم. اگر حکیمانه عمل نکنم این اتفاق می‌تواند برای من هم بیافتد و من احمق بودم که طور دیگری فکر می‌کردم.

اگر شما فرض کنید که هیچ وقت مورد دستبرد قرار نمی‌گیرید، درهای خانه‌ی خود را قفل نمی‌کنید و پول نقد خود را در جایی امن نمی‌گذارید. اگر شما فرض کنید که هرگز لغش نخواهید خورد، نسبت به زندگی خود بی‌توجهی خواهید نمود و احتیاط را به کناری می‌گذارید.

«غورو پیشروِ نابودی است، و دل متکبر پیشروِ لغش.» (امثال ۱۶:۱۸)

خداؤند به ما اراده‌ی آزاد و حق انتخاب بخشیده است. خود را فروتن سازیم یا او ما را فروتن می‌سازد. (اول پطرس ۵: ۵ - ۶) به خود نباید که برای شما چنین اتفاقی نخواهد افتاد، ممکن است برای شما هم پیش آید و اگر فکر می‌کنید هرگز این اتفاق برای شما نخواهد افتاد، اتفاقاً باید بیشتر مراقب باشد.

خواهری جهت دریافت مشاوره‌ی شبانی در مورد موضوعی خاص به بنده مراجعه کرده بود. بعد از چند جلسه مشاوره، احساس کردم که او به من علاقمند شده است. ترس عجیبی تمام وجودم را فرا گرفت، زیرا از روز اول چنین چیزی در او ندیده بودم.

از آن جا که هنوز از نظر احساسی درگیر این مسئله نشده بودم وسوسه شدنم را توجیه می‌کردم. اما در عمق وجودم زنگ خطری را حس می‌کردم. می‌دانستم دارم در زمینی پر از مین قدم می‌گذارم. خداوند به من یادآوری کرد که زنا با عاملی بی‌ضرر شروع می‌شود. پس من فرار را بر قرار ترجیح دادم. طور دیگری برنامه‌ریزی کردم. او می‌توانست با مشاور دیگری به مشاوره‌ی خود ادامه دهد. شاید این تصمیم نوعی توهین به آن خواهر تلقی می‌شد، اما این کمترین بهایی بود که برای داشتن زندگی مقدس باید پرداخت می‌کردم. فقط خداوند می‌داند که چه اتفاقی انتظار مرا می‌کشید، من اصلاً نمی‌خواهم درباره‌ی آن فکر کنم.

زمانی که خسته، منزوی، تنها، افسرده و عصبی هستیم، ما در آسیب‌پذیرترین حالت خود قرار داریم. به خصوص اگر با شریک زندگی‌مان عدم تفahم داشته باشیم. شک نکنید که ارواح شریر از آن خبر دارند و در حمله‌ی به ما تردیدی به خود راه نمی‌دهند.

«چون ابلیس همه‌ی این وسوسه‌ها را به پایان رسانید، او را تا فرصتی دیگر ترک گفت.» (لوقا ۴: ۱۳)

هشدار پولس باید جای خاصی بر روی میز کار ما، تابلو اعلانات یا برنامه‌های روزانه‌ی ما داشته باشد:

«پس اگر گمان می‌کنید استوارید، به هوش
باشید که نیافتید!» (اول قرنتیان ۱۰:۱۲)

برداشت من از این آیه این گونه است. اگر فکر می‌کنید نیازی
به محظاط بودن نیست پس می‌توانید اسم خود را این گونه بنویسید:
"الف - ح - میم - قاف"

همه چیز آشکار خواهد شد

زیر پا گذاشتن استانداردهای خداوند درست مثل زیر پا گذاشتن
قوانین جاذبه است. نمی‌توانید این کار را انجام دهید.

«فریب نخورید: خدا را استهزا نتوان کرد. انسان هر
چه بکارد، همان را خواهد دروید. کسی که برای
نفس خود می‌کارد، از نفس تباہی درو خواهد کرد؛
اما کسی که برای روح می‌کارد، از روح حیات جاویدان
خواهد دروید. لذا از انجام کار نیک خسته نشویم،
زیرا اگر دست از کار برنداریم، در زمان مناسب
محصول را درو خواهیم کرد.» (غلاطیان ۶:۷ - ۹)

دیر یا زود، گناهِ جنسی آشکار خواهد شد. یقین بدانید که
گناهتان گریبان شما را خواهد گرفت. (اعداد ۳۲: ۲۳)
سلیمان می‌گوید:

«آن که در صداقت گام برمی‌دارد در راهی
بی خطر است، اما آن که به راه کث می‌رود
رسوا خواهد شد.» (امثال ۱۰: ۹)

ایده‌ای که باید همه بایستند و به آن فکر کنند این است که
موضوعی به نام لحظه‌ی خصوصی وجود ندارد.
عیسی به شاگردان خود هشدار داد که:

«هیچ چیز پنهان نیست که آشکار نشود و هیچ چیز پوشیده نیست که عیان نگردد. آنچه در تاریکی کفته‌اید، در روشنایی شنیده خواهد شد، و آنچه پشت درهای بسته نجوا کرده‌اید، از فراز بامها اعلام خواهد گردید.» (لوقا ۱۲: ۳-۲)

یکی از تاکتیک‌های شیطان این است که توری تقلبی از مخفی بودن می‌بافد، و توهمند خصوصی بودن را بر انتخاب‌های گناه‌آلود مُهر می‌کند. او به ما می‌گوید: "کسی نمی‌بیند! کسی نمی‌فهمد!"

اما دروغ می‌گوید! اتفاقاً کسی می‌بیند! اتفاقاً یک نفر همان جا حاضر است. یکی اکنون می‌داند و به وقتی همه نیز خواهند دانست. ما هرگز نمی‌توانیم از زیر بار اعمال خود شانه خالی کنیم.

عواقب گناهان جنسی

آن‌تی بیوتیک‌ها بیماری‌های خطرناک و عفونی را درمان می‌کنند یا مانع از ایجاد بیماری می‌گردند. داروهای ضدبارداری احتمال بارداری را کاهش می‌دهند. اما دارویی برای پیشگیری از بیماری‌های وجود ندارد.

علم پزشکی ممکن است تعدادی از ثمرات گناه در وجود مرا درمان کند، اما نمی‌تواند پاسخگویی من نسبت به خدا را درمان کند.

خداوند می‌گوید آن که از گوش فرا دادن به شریعت سر باز زند، حتی دعايش کراحت‌آور می‌گردد. اگر ما به اصول پاکی عمل نمی‌کنیم خدمت و دعای ما فاسد می‌گردد. (امثال ۲۸: ۹) گناهان جنسی مانع از قدم زدن ما با خداوند می‌گردد. اگر ما در چنگال بی‌اخلاقی خود گرفتار باشیم، خداوند تنها متضرر یک دعاست، دعای توبه و اعتراض.

گناه به آسانی باعث مرگ ۳۶ نفر از مردان اسرائیلی شد، به اضافه‌ی خانواده‌ی عخان ابن کرمی. (یوشع ۷: ۱ - ۲۶). خداوند حاکم بر زندگی همه افراد است. اما مشخصاً، گناه شخصی هر کسی می‌تواند عواقب سنگینی برای دیگران نیز در پی داشته باشد. سیندی ۱۲ ساله بود وقتی که پدرش با اینکه شبان کلیسايی بود، مرتکب زنا شد. پدرش بازنی در کلیسا زنا کرده بود و خانواده‌ی خود را ترک کرده بود. مادر سیندی که ایماندار خوبی بود بدون تحقیق و فوراً با شخصی بی‌ایمان ازدواج کرد. این رسوایی به گوش همه رسید. سیندی وارد روابط خطرناک با مردان بسیاری گشت. روابط جنسی پر خطر! اگر چه سیندی مسئول اعمال خود بود ولی او کاشته‌های پدرش را درو می‌کرد. (خروج ۲۰: ۵)

زنانی که شوهران‌شان به نوعی گرفتار زنا گشته‌اند، متفق القول شهادت می‌دهند که عمل کرد شوهران‌شان بر روابط زناشویی آن‌ها تأثیر منفی و عمیقی گذاشته است. برادری که در خدمات کلیسايی بسیار فعال بود به خاطر روابط جنسی با جنس موافق از خدمات خود کناره‌گیری کرد. از او پرسیدم: "باید به تو چه می‌گفتیم تا مانع از چنین اتفاقی می‌شدم؟" بعد از کمی فکر کردن جواب داد: "اگر کسی به من تذکر می‌داد که این عمل می‌تواند چه آبروریزی‌ای برای نام عیسی و خدمت من به بار آورد، هرگز چنین کاری نمی‌کردم."

روش تشخیص دروغ‌های شیطان

عیسی در مورد شیطان می‌گوید:

«... هر کاه دروغ می‌گوید، از ذات خود می‌گوید؛ چرا که دروغ‌گو و پدر همه‌ی دروغ‌هاست.» (یوحنا ۸: ۴۴)

شیطان دروغ‌گویی زیرک و مجاب‌کننده است، اما در عوض عیسی حقیقت را می‌گوید و ما را آزاد می‌کند. (یوحنا ۸: ۳۲) پولس در دوم قرنتیان ۲: ۱۱ می‌گوید: «زیرا از ترفندهای او بی‌خبر

نیستیم.» اما امروزه چی؟ آیا از ترفندهای شیطان با خبریم؟ نیاز است قدمهای شیطان برای نابودی مان را تشخیص دهیم، تا نزدیک شدنش را دریابیم و مقاومت کنیم.

«خویشنده دار و مراقب باشد، زیرا دشمن شما ابلیس همچون شیری غرّان در گردش است و کسی را می‌جوید تا ببلعد.» (اول پطرس ۵: ۸)

گاه‌ها؛ وقتی تصویری تحریک‌کننده جلوی من ظاهر می‌شود، در حالی که چشمانم را می‌بندم، روی خود را بر می‌گردانم و قلاب ماهی‌گیری خارداری را تصور می‌کنم. حتی اگر یک لحظه وسوسه شوم که حتی زیرچشمی نگاه کنم، احساس می‌کنم که این قلاب از طرفی که آن عکس قرار دارد به سمت من نزدیک می‌شود و به دهانم فرو می‌رود و بدنم را به بند می‌کشد. من مثل ماهی در قلاب گیر می‌کنم و او را به بالا می‌کشد و این اغوایی زیباست. ولی دشمن چگونه ما را به قلاب می‌اندازد و نابود می‌کند؟ بدانید که وسوسه همیشه زیبا به نظر می‌آید که اگر این گونه نبود به آن وسوسه نمی‌گفتند. اما خداوند ما قادر تمندتر از شیطان است.

«زیرا آن که در شماست بزرگتر است از آن که در دنیاست.» (اول یوحنا ۴: ۴)

«قدرت الهی او هرآنچه را برای حیات و دین داری نیاز داریم بر ما ارزانی داشته است. این از طریق شناخت او میسر شده که ما را به واسطه‌ی جلال و نیکویی خویش فرا خوانده است. او به واسطه‌ی این‌ها و عده‌های عظیم و گرانبهای خود را به ما بخشیده، تا از طریق آن‌ها شریک طبیعت الهی شوید و از فسادی که در نتیجه‌ی امیال نفسانی در دنیا وجود دارد، برآید.» (دوم پطرس ۱: ۳ - ۴)

خداوند به آدم اول گفت که اگر از میوه‌ی ممنوعه بخورد، "قطعاً خواهی مرد." ولی شیطان گفت: "ممکن است نمیری!" هر بار که به وسوسه‌ای جنسی مبتلا می‌گردیم، باید بین دو صدا یکی را انتخاب کنیم. خداوند یا شیطان! به کدام یک از آن‌ها لبیک می‌گوئید؟

رضامندی الهی

تصویر جنسی ذهن مرا به سمت شهوت می‌کشاند. دنیا، جسم و شیطان مرا با پیغام‌های خود بمباران می‌کنند. حسی مردانه به من القا می‌کنند که درد، نالامیدی و استرس را کمتر می‌کند و شادرتر خواهم بود و این ارواح شریر در گوش من زمزمه کنان می‌گویند: "خداوند نیکویی بی‌نظیری را از تو دریغ کرده است!" خداوند دروغ شریر را بر ملا می‌کند و به من می‌گوید که شادی واقعی فقط در عیسای مسیح یافت می‌شود.

دو انتخاب پیش پای من قرار دارد، اعتماد به خدا یا اعتماد به شیطان!

من باید بین تخیلات جنسی و صمیمیت با خدا یکی را انتخاب کنم. هر دو را نمی‌توانم یک جا داشته باشم. وقتی می‌بینم خداوند شادی و لذتی را پیشنهاد می‌کند که بسیار فراتر از تخیلات و لذات جنسی من است همین موضوع باعث تغییر دیدگاه‌های من می‌شود. تغییر دیدگاه وقتی رخ می‌دهد که من خداوند را دنبال کنم و در کنکاش‌هایم او را بجوییم. آن زمان متوجه می‌شوم که این تخیلات جایگزینی کم‌ارزش به جای خداوند هستند و در می‌یابم که دویدن به سمت آن‌ها به معنی فرار کردن از خداوند است. وقتی عطش من برای شاد بودن با عیسی سیراب شود، گناه دیگر جذابیتی برای من نخواهد داشت. آن زمان من به لذت‌های زودگذر و بی‌اخلاقی‌ها نه می‌گوییم، نه اینکه لذت بردن را دوست ندارم، بلکه به این خاطر که دنبال لذت واقعی هستم، لذت ماندگار و عظیمی که فقط در

عیسای مسیح یافت می‌شود. جان پاپیر؛ می‌گوید: "ما باید با آتش حضور خدا با آتش شهوت بجنگیم. اگر ما سعی کنیم با تهدید و ممنوعیت‌ها با آتش شهوت نبرد کنیم، حتی اگر بخواهیم با هشدارهای جدی عیسی در برابر چنین گناهانی بایستیم، طعم شکست را خواهیم چشید. ما با تکیه بر وعده‌های فراوانی که عیسی درباره‌ی شادی آسمانی به ما داده است، می‌توانیم بارقه‌های کوچک شهوت و لذت‌های زودگذر را با آتش رضایت مقدس فرو ببعلیم."

هر که از چشم‌های آب بی‌اخلاقی و بی‌عفتی بنوشد سیراب خواهد شد. (یوحنا ۴: ۱۳ را مطالعه کنید.) اشخاصی که از چشم‌های عیسی می‌نوشند، سیراب خواهند شد. (یوحنا ۶: ۳۵) من می‌توانم تشنگی خود را در عیسی رفع کنم یا می‌توانم به دنبال آنچه که نیستی است بروم و در گناه غرق شوم. مابقی زندگی شما بر اساس جواب شما به این سؤال تعیین می‌شود، که سخن چه کسی را باور می‌کنید؟

فصل پنجم

جنگ در ذهن شماست.

برد؛ دانش‌آموزی بود که داشت خود را برای ورود به دانشکده الهیات آماده می‌کرد. شبی با همسر خود بر سر موضوعی مشاجره می‌کند. سپس ناراحت می‌شود و با ماشین به استارباکس می‌رود تا در خلوت خود کمی تفکر کند. خیلی زود با زن جوانی که بر صندلی‌ای در کنار او نشسته بود، هم صحبت می‌شود. چند ساعت بعد با همان زن به تخت خواب می‌رود.

برد؛ با شرمندگی پیش من آمد و گفت: "چگونه می‌توانم این موضوع را به همسرم اعتراف کنم؟ آیا می‌تواند مرا ببخشد؟ خیلی ناگهانی بود. از آسمون پیدایش شد!" ولی واقعاً از آسمان پایین افتاده بود؟

برد؛ بی‌وقفه تلاش کرده بود تا وارد دانشکده الهیات شود. برد پشیمان بود، او همسرش و فرزندانش را مانع می‌دید. برد دیگر با همسرش قرار نمی‌گذاشت تا بیرون بروند و ارتباط او با همسرش دیگر آن عمق قبلی را نداشت.

قبل از آن واقعه برد به دیدن مجله‌های مستهجن رو آورده بود. او فیلم‌های نامناسب و تحریک کننده‌ای می‌دید و بالاخره همه‌ی این‌ها در آن زمان وحشتناک به اوج رسیدند و آن واقعه‌ی شوم را رقم زدند.

واقعیت این است که گناه جنسی از ناکجا آباد بیرون نمی‌آید. گناه جنسی نتیجه‌ی فرایندی طبیعی است. وقتی که به این مسائل توجه نشود، ذهن دچار ناپاکی می‌شود.

شخصیت فردای ما از افکار امروز ما ساخته می‌شود. وسوسه ممکن است ناگهان بیاید، اما گناه، اخلاقیات و روحانیت این گونه

نیستند. همه‌ی آن‌ها از فرایندی حاصل می‌شوند که ما بر آن کنترل داریم.

ما تبدیل به آنچه می‌شویم که فکر می‌کنیم. ما عفت جنسی‌مان را از زنجیره‌ای از انتخاب‌ها و اعمال به دست می‌آوریم. از سرکشی‌های کوچک و سازش‌های جزئی. چشم این‌جا می‌رود. ذهن آن طرف می‌دود. چشم ما به هر کجا برود ذهن ما نیز به آن کجا خواهد دوید. ذهن ما درست همانند یک صفحه‌ی عکاسی هر آنچه ما به آن نشان دهیم را جمع خواهد کرد خواه آن فکر خداپسندانه باشد خواه نباشد! ذهن ما آن را جمع و ذخیره خواهد کرد. نبرد در ذهن‌های ماست.

شهوت از کجا می‌آید؟

معمولًاً در اثر غفلت افراد دچار سقوط اخلاقی می‌شوند و جالب است که همه‌ی افراد سقوط کرده می‌پرسند: "از کجا سر و کله‌ی این بدبختری پیدا شد؟" کتاب مقدس جوابی روش می‌دهد:

«ذیرا از دل است که افکار پلید، قتل، زنا، بی‌عفتی،
سرچشم می‌گیرد.» (متی ۱۵: ۱۹)

عیسی به اختصار چنین می‌گوید:

«شنیده‌اید که گفته شده، "زن‌ماکن". اما من به
شما می‌گویم، هر که با شهوت به زنی بنگرد،
همان دم در دل خود با او زنا کرده است.» (متی ۲۷: ۵-۲۸)

فریضی‌ها بر ظاهر و ارتکاب عمل گناه بیشتر تأکید می‌کردند. عیسی ملاک و خطکش اخلاقی را بالاتر می‌برد و می‌گوید: شهوت فقط منشأ گناه جنسی نیست، بلکه خود گناه است. عیسی فلسفه‌ی

فریسیان را به چالش می‌کشد که می‌گفتند مرد می‌تواند زن را در ذهنش عربیان سازد و پاک بماند.

شهوت با هر چه که ما در ذهن ذخیره کنیم تغذیه می‌شود و می‌تواند به آن چنگ بزند. آنچه در مغز ما می‌گذرد چیزی است که ما اجازه‌ی ورود آگاهانه‌ی آن را داده‌ایم. تصاویر ذهنی حاصل آن چیزی است که چشممان ما نظاره کرده یا گوش‌های ما شنیده یا ترکیبی تخیلی از چنین داده‌هایی.

این که تبدیل به چگونه شخصی می‌شویم بستگی به آن دارد که اجازه می‌دهیم چه چیزی وارد ذهن‌مان بگردد. وقتی ما کتاب مقدس یا کتابی خوب می‌خوانیم، یا در جمع‌هایی که عیسی موضع بحث است شرکت می‌کنیم و یا به نیازمندی کمک می‌کنیم خود را به سمت نیکویی سوق می‌دهیم.

ضرب المثلی قدیمی درست می‌گوید: "فکری بکار، عملی درو کن؛ عملی بکار، عادتی درو کن؛ عادتی بکار، شخصیت درو کن؛ شخصیت بکار، سرنوشت را درو کن."

اعمال، عادات، شخصیت و سرنوشت همه با فکری شروع می‌شوند و افکار ما با آنچه که به ذهن راه می‌دهیم پرورانده می‌شود. به همین دلیل است که مهم‌ترین اندام جنسی، مغز شماست.

آیا شما در حال تغذیه‌ی شهوت هستید؟ یا با گرسنگی کشیدن در حال کشتن او هستید؟ قوی‌تر بودن هر میلی چگونه آشکار می‌شود؟ میلی که غذای بیشتری به او خوراندید.

تعیین مرزها

برای حفاظت از نجابت‌مان باید مرزهای ذهنی خاصی برای خود تعریف کنیم. از شماره‌ی یک تا ده، به زنا یا اعتیاد به رابطه‌ی جنسی نامشروع می‌توان شماره‌ی ده را اختصاص داد. اما سئوال اینجاست که پایین این نمودار یعنی رددهای یک، دو و سه را چه

چیزی اشغال خواهد کرد؟ وقتی آن‌ها را تشخیص دهیم می‌توانیم جلوی فاجعه را بگیریم.

همه‌ی ما مشتاق پاکی و نجابت هستیم، اما بعد دست به انتخاب‌هایی می‌زنیم که پاکی ما را خدشه‌دار می‌کند. انتخاب‌ها با عواقب همراه هستند. اگر عواقبی متفاوت می‌خواهیم باید انتخاب‌هایی متفاوت داشته باشیم. شخصی برای من نامه‌ای فرستاد که در آن نوشتۀ بود:

"به عنوان فردی که با دستان خود سال‌ها زندگی خود را تخریب کرده‌ام، می‌توانم در زمان شروع گناهان و رفتارهایی که قادرند عواقب بسیار بزرگتر و بدتری به همراه داشته باشند هشدارهایی را ارائه دهم. شاید احساس کنیم که برای ترک خودارضائی احتیاج به تصمیمی قطعی نداریم ولی آیا می‌دانید این گناه شما را به کجا خواهد رساند؟ نهایتاً رابطه‌ی زناآلود با همسر دوست‌تان ایجاد خواهید کرد و یا با یک فاحشه! شاید اگر به گناه خود رسیدگی نکنید ده سال پس از آن متهم به آزار جنسی کودکان شوید و خبرنگاران با ماشین‌های شبکه‌ی خبر جلوی درب خانه‌ی شما پارک خواهند کرد. گناه کم‌کم زیاد می‌شود. همیشه به چنین افرادی می‌گوییم: "تو آنقدر هم آدم بدی نیستی اما با این حال این کار را انجام دادی ..."

برای ۴ سال از در سوپر مارکت محله‌مان به خاطر چیدمان مجالات رد نمی‌شدم. بعدها این نظم در من قوت یافت، آنقدر که توانستم در حال عبور چشمانم را از آن تصاویر دور نگاه دارم. اما تا آن زمان به مرزهایم احترام گذاشتم. زیاد راحت نبود، اما این بهایی کوچک برای حفاظت از پاکی ام بود.

ما تلویزیون داریم، اما کانال‌های کابلی نداریم. نه به این خاطر که فکر می‌کنیم اشتباه است، بلکه به این خاطر که وسوسه‌ای بیشتر را در خانه نمی‌خواهیم.

من به شما نمی‌گوییم که باید چه بکنید. مرزهای افراد با هم فرق می‌کنند. همه یک جور نیست و این مرزها از فردی تا فرد دیگر متغیر است. این مرز ممکن است برای فردی رد شدن از جلوی کیوسک مجله‌فروشی باشد. یا رانندگی نکردن در بخش‌های خاصی از شهر! یا اجتناب از رفتن به مأموریت کاری!

مرزها کمک می‌کنند تا وسوسه نتواند ماندگار گردد و ما را از لغزش محافظت می‌کند. بر اساس صحبت‌های بالا پاکی جنسی ما زمانی تقویت می‌شود که از خوراک‌های مضر فکری اجتناب کنیم و خوراک درستی به او بدھیم. باید عادات خود را تغییر دهیم، ما نگهبانانی هستیم که وظیفه‌ی حفاظت از چیزی به شدت استراتژیک را بر عهده دارند. فرماندهی ما می‌گوید:

«دل خویش {ذهن، خود درون} را با مراقبت تمام
پاس بدار، زیرا سرچشمه‌ی امور حیاتی است.» (امثال ۴: ۲۳)

"با مراقبت تمام" به این معنا است که این امر باید در بالاترین جایگاه وظایف روزانه‌ی ما قرار بگیرد. بسیار مهم است که ما درون‌مان را از منابع جدید و وسوسه‌انگیز دور نگاه داریم. ما باید با مهماتی که در اختیار داریم با دشمن مقابله کنیم. البته، جسم شما می‌طلبد که به آن سوخت تازه‌ای برسانید. جسم فریاد می‌زند و می‌گوید: "به من غذا بده!" اما شما نمی‌پذیرید و این دعا را تکرار می‌کنید:

«چشمانم را از دیدن بطال بگردان، و در طریق‌های
خود مرا زنده ساز.» (مزامیر ۱۱۹: ۳۷)

شما با برگرداندن چشمان‌تان از تصاویر بیهوده، به بخشی از جواب دعای خود تبدیل می‌شوید (این آیه را به تلویزیون خانه بچسبانید). ما نباید همشکل این دنیا شویم بلکه باید ذهن خود را

دگرگون سازیم. (رومیان ۱۲: ۲) ما باید شهوت را انکار کنیم و مرگ او را اعلام کنیم درست همان وقت که می خواهد گریبان ما را بگیرد. (کولسیان ۳: ۵) باید اعلام و تأیید کنیم که خلقتی نو در عیسی هستیم و با حقیقت او پوشانده شده ایم. (کولسیان ۵: ۱۷) – (۲۱)

ذهن تقدیس شده‌ی شما که با کلام خدا تغذیه و با روح القدس رشد یافته باشد از زندگی و افکار شما محافظت خواهد کرد. به آنچه که عیسی را راضی می کند بله می گوید و به آنچه باعث نارضایتی اوست، نه!

پر کردن ذهن با افکاری پاک

فقط برای یک لحظه می خواهم کاری که می گوییم را انجام دهید. حاضرید؟ خُب ... درباره‌ی مار فکر نکنید! فکر نکنید! تکرار می کنم! فکر نکنید. درباره‌ی مار بزرگ لرجی که از سوراخ فاضلاب حمام شب‌هنجام بیرون می آید و بر سینه‌ی شما در رختخواب چنبره می زند، فکر نکنید.

شنیدید چی گفتم! درباره‌ی مار فکر نکنید!!! آیا مانع فکر کردن شما درباره‌ی مار شدم؟ خیر! من شما را تشویق به فکر کردن درباره‌ی آن نمودم.

حالا می خواهیم به دسر مورد علاقه‌تان فکر کنید. شاید پای سیب مادرتان یا بیسکوییت شکلاتی یا یک کیک خامه‌ای! فقط به این خوراکی‌های اشتها آور فکر کنید. چه اتفاقی در لحظات آخر افتاد؟ شما آن مار لرج را فراموش کردید و این تا زمانی ادامه داشت که من دوباره درباره‌ی آن صحبت کردم.

ذهن ما در خلاً نیست و بالاخره با چیزی پر خواهد شد. افکار ناپاک به وسیله‌ی افکار پاک بیرون رانده می شوند و بر عکس.

«در پایان، ای برادران، هرآنچه راست است،
هرآنچه والاست، هرآنچه درست است،
هرآنچه پاک است، بدان بیندیشید.» (فیلیپیان ۴:۸)

سخت است که فایل‌های بد هارد دیسک مغز خود را پاک کنیم، اما می‌توانیم تعداد فایل‌های بد را محدود کنیم. بعد می‌توانیم فایل‌های خوب بسیاری را بارگذاری کنیم. این همان رابطه‌ی علت و معلولی است. هر چه بیشتر ذهن خود را با پاکی پر کنیم پاکی ما عظیم‌تر و مقاومت در برابر وسوسه بیشتر خواهد بود.

«... و هر اندیشه‌ای را به اطاعت از مسیح اسیر می‌سازیم. و در حال آماده‌باش هستیم، تا وقتی اطاعت خود شما کامل شود، هر ناطاعتی را به مجازات رسانیم.» (دوم قرنیان ۱۰: ۵ - ۶)

مارتین لوتر می‌گفت: "شما نمی‌توانید مانع از پرواز پرندگان بالای سرتان شوید، اما می‌توانید مانع از لانه کردن آنها بر سر خود شوید." یعنی ما نمی‌توانیم جلوی دنیا را بگیریم تا تصاویر خود را به سوی ما شلیک نکند. اما می‌توانیم مانع صاحب شدن ذهن‌مان توسط دنیا شویم. می‌توانیم سریع آنها را تخلیه کنیم.

خودارضایی با چشمی سرگردان و ذهنی بی‌نظم قوی‌تر عمل می‌کند. با انجام آن ما دردهای خود را به ظاهر درمان می‌کنیم. تنها یی، یا اس، طردشدن یا ترس را. اما مسئله‌ای عمیق‌تر از میل جنسی وجود دارد. نیاز است مسئله‌ی اصلی را مورد توجه قرار دهیم، و از خداوند بخواهیم نیازهای خطرساز ما را رفع کند. اگر بتوانیم با خود حرف بزنیم این کار کمک بزرگی به ما می‌کند. باید با خود گفت: "نگاه کردن به این مجله‌ی مستهجن هیچ‌کدام از مشکلات مرا حل نمی‌کند، بلکه برعکس مشکلات بیشتری ایجاد می‌کند، آسیب می‌زند و مرا تنها رها می‌سازد."

ما باید کاری بیشتر از این انجام دهیم. فقط نباید بگوئیم "من خودارضایی نمی‌کنم!" نیات خوب شهوت را از میان بر نمی‌دارد. اگر چشم و ذهن را مراقبت نکنیم ما به عادات قدیمی برخواهیم گشت.

پیروزی قطعاً ممکن است. امروز با فردی که یک معتاد جنسی بود صحبت می‌کردم که برای دو سال خودارضایی را ترک کرده است. اما اگر ما به ذهن خود اجازه دهیم تا آنچه شهوت را بر-می‌انگیزاند وارد شود، پیروزی هرگز حاصل نمی‌شود. رمز موفقیت مارتین لوتر در این بود که او ذهن خود را حفاظت کرده بود.

نیازهای دیگری برای حفظ فیزیکی الزامی هستند. رابطه‌ی جنسی موضوعی حیاتی نیست. موضوع مرگ و زندگی نیست. (اول قرنطیان ۶ : ۱۲ - ۱۳) ما بدون آب و غذا می‌میریم اما بدون رابطه‌ی جنسی نخواهیم مرد. مهم نیست اشتیاق ما به آن چقدر است، رابطه‌ی جنسی هرگز اضطراری نیست! الزامی نیست! دوستی به من گفت: "تا به حال هیچ‌کس در اثر تجمع اسپرم منفجر نشده است!"

همین‌طور که می‌آموزیم از تغذیه‌ی شهوت خودداری کنیم، کم کم در آن مهارت می‌یابیم. در طول زمان، خواسته‌های شهوت-آلود فشار کمتری را وارد می‌کنند و می‌بینیم که می‌شود آن را مدیریت کرد.

شهوت با ما چه می‌کند؟

شهوت یک بی‌بند و باری ذهنی است. به همین خاطر است که ازدواج مسئله‌ی شهوت را حل نمی‌کند. مردی که به زنان دیگر نگاه می‌کند کماکان بعد از ازدواج نیز به این کار ادامه می‌دهد. مردی که خودارضایی می‌کند کماکان به این کار ادامه خواهد داد. فرد حریص از عکسی به عکس دیگر مراجعه می‌کند و از شریک جنسی به شریکی دیگر. چنین افرادی حتی اگر با زنی زیبا

ازدواج کنند باز با خطر اعتیاد به مسائل جنسی روبه رو هستند. این مرضی مربوط به روح است، اما اگر توبه و تغییری در عمل کرد به وجود نیاید همه‌ی این عوامل تشدید می‌شوند. (من عبارت تغییر را اضافه کردم چون خیلی‌ها مرتباً توبه می‌کنند، اما پس از اندکی دوباره به اسارت خود باز می‌گردند.)

فرد حریص با طنابی به دور گردنش راه می‌رود. او همان زناکاری است که منتظر شریک جنسیش است تا او را در زنا همراهی کند. آن زن، ممکن است واقعی یا تخیلی باشد، ولی او بالاخره می‌آید.

برخی عادات و ناپاکی جنسی خود را با عبارت "ارضا کننده نبودن همسرشان" توجیه می‌کنند. این فکر از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ از رسانه‌ها! جایی که مردی خوش‌تیپ با اندامی تراشیده در آغوش زنی با جراحی‌های پلاستیک مدرن و رژیم‌های غذایی طاقت فرسا، قرار می‌گیرد، اما خداوند به دنبال کیفیتی دیگر است. (اول پطرس ۳:۴-۳:۵ را مطالعه کنید.)

عهد با چشمان تان

ایوب می‌گوید:

«با چشمان خود عهد بسته‌ام؛ پس چگونه بر دوشیزه‌ای چشم بدوزم؟» (ایوب ۱:۳۱)

ایوب با خدایش عهد بسته بود تا از قلب خود با حفاظت از چشمانش مراقبت کند. در ادامه‌ی این آیات توصیف دقیقی از عواقب پاییند نبودن بر این عهد را می‌بینیم.
آیا شما با چشمان خود عهد بسته‌اید تا از نگاه کردن به چیزی که نباید نگاه کنید اجتناب کنید تا فوراً بتوانید از آنچه به شهوت ختم می‌شود، بگریزید؟

آیا این عهد پاکی را زمانی که در یک کمپ و یا اردویی هستید نیز تمرین می‌کنید؟ یا وقتی که ورزش می‌کنید؟ یا وقتی رانندگی

می‌کنید؟ یا وقتی یک برنامه‌ی تلویزیونی انتخاب می‌کنید؟ یا وقتی در کلیسا هستید؟

آیا عهد خود را اعلام کرده‌اید؟ آیا تا به حال از دیگران خواسته‌اید تا برای شما دعا کنند و آیا به آن‌ها پاسخ‌گو هستید؟

پاکسازی زهر شهوت

آرسنیک تأثیری تجمعی دارد. این بدان معنا است که می‌تواند کم کم در بدن تجمع یابد. آرسنیک حتماً شما را خواهد کشت، اما نه یکدفعه! نیاز به مقدار زیادی نیست. کمی اینجا و کمی آنجا و نهایتاً شما می‌میرید.

بی‌اخلاقی‌های جنسی (بی‌عفتی) قاتل زندگی مسیحی و ازدواج‌های مسیحی است. ما هر روز خود را مسموم می‌کنیم. هر بار اجازه می‌دهیم که کمی سم وارد وجودمان گردد. این رمان، آن برنامه‌ی تلویزیونی، این فیلم، آن مجله، این تقویم، آن نگاه، نظری منظوردار، گپی دوستانه که کاملاً شبیه داستانی کشیف است. این آرسنیک روح ما را به تدریج مسموم می‌کند در آن زمان ما احساسی شبیه دیروز نداریم و حتماً بعد از ۵ سال جور دیگری خواهیم بود. آیا این حقیقت را باور دارید؟ اگر به این حقیقت ایمان دارید بگویید: "خداوند؛ می‌دانم این تصاویر جنسی فکر من را مسموم می‌کنند. به من حکمت و عزمی ببخش تا از آن‌ها رو برگردانم. من را به آن سو برگردان که تو را راضی می‌کند."

به مرور زمان، با خوردن و نوشیدن خوراکی‌های درست، شما می‌توانید آرسنیک را از بدن خود دفع کنید. اما بهبودی کامل پیدا نمی‌کنید اگر بدن خود را از آرسنیک‌های جدید مصون نگاه ندارید. اگر بدانید واقعاً چیزی سمی است و برای مدتی کافی از آن اجتناب کنید، اتفاق شگفت‌انگیزی رخ می‌دهد و آن این است که میل و عطش شما برای دریافت آن کاهش می‌یابد. در نتیجه سلامتی شما بازمی‌گردد. رساله‌ی رومیان باب ۷، به وضوح در مورد

شدت تأثیری که امیال غلط می‌توانند بر ما داشته باشند، صحبت می‌کند. بسیاری از افراد بعد از مدتی طولانی توانستند پیروز شوند. آزادی از سال‌های ملال آور اعتیاد به رابطه‌ی جنسی و شهوت! برای سالها باور داشتم تصاویر اروتیک در تلویزیون و فیلم‌ها سMI هستند. ولی با این حال هنوز مایلم به آن‌ها نگاه کنم، اما آن میل با غریزه و عادت رو برگرداندن تضعیف شده است. هر چه می خواهید اسم آن را بگذارید، اما روی برگرداندن تبدیل به عادتی عمیق و مستمر گشته است. هنوز بعضی وقت‌ها شکست می‌خورم، اما شکستم به شدت سال‌های پیش نیست. ما با عادات خود ساخته می‌شویم و روح خداوند می‌تواند ما را قدرت ببخشد تا عادات جدیدی بسازیم.

با انتخاب روی برگرداندن از وسوسه‌ی جنسی، با عهد بستن با چشمانم و با فیض قوت‌بخش خدا، من راه حیات و برکت را بر می‌گزینم. وقتی به وسوسه نه می‌گوییم این به این معنا است که به خداوند بله می‌گوییم. آن زمان رضایت خداوند باعث می‌شود تا او در زندگی من جلال یابد و هیچ‌کس از کار من به اندازه‌ی خودم سود نمی‌برد.

فصل ششم

استراتژی خردمندانه

کسی را تصور کنید که ضعفشن خوردن افراطی کیک باشد. پزشکش به او می‌گوید: "دیگر کیک نخور!" او با خود سوگند یاد می‌کند: "خوردن کیک دیگر تمام شد!" به خانواده قول می‌دهد "دیگر خبری از کیک نیست!" او با کلیسا تماس می‌گیرد و می‌گوید که برایش در دعا باشند او حتی در جلسات کلیسا ای ترک خوردن کیک شرکت می‌کند تا روح کیک خوردن را از خود اخراج کند. این عمل کرد کسی است که جدی و ثابت قدم است، درست است؟

اما او بعد از این اقدامات چه می‌کند؟ خُب او مثل بسیاری از افراد درباره خوردن کیک مقاله می‌خواند، به موسیقی کیک خوری گوش می‌دهد و برنامه‌های طرز تهیه کیک را تماشا می‌کند. او زمان خود را با دوست‌داران کیک می‌گذراند و درباره خوردن کیک در محل کار شوختی می‌کند و به عکس کیکی که بر روی مجله‌ای چاپ شده نگاه می‌کند. در روزنامه به دنبال کوپن کیک می‌گردد و مشترک مجله‌ی کیک دیزایر می‌شود، مجله‌ای با عکس‌هایی براق!

زمان زیادی طول نمی‌کشد که سر راه دفترش اتفاقی از کنار کیک فروشی می‌گذرد. پنجره را پایین می‌دهد و نفس می‌کشد. خیلی زود روزنامه را از ردیف راست مغازه‌ی کیک فروشی، می‌خرد. آنقدر آن جا وقت خود را تلف می‌کند تا نگاهی به کیک‌ها بیاندازد. بعد به یاد می‌آورد، که باید تماسی بگیرد، و از قضا مغازه‌ی کیک فروشی تلفن سکه‌ای دارد و این همان زمانی است که با خود می‌گوید، چرا یک فنجان قهقهه نخورم؟

حالا به یاد داشته باشید که این مرد قصد نداشت که عهد خود را بشکند و لب به کیک بزند، اما نتیجه کاملاً قابل پیش‌بینی و اجتناب‌ناپذیر می‌گردد و این نتیجه چیست؟ این است که او تسلیم می‌شود و کیکی را می‌خرد و می‌خورد!

و فکر می‌کنم بعد می‌شود این آه و ناله را شنید. "چی شد؟ دعا کردم! از دیگران خواستم دعا کنند. از خدا خواستم آزادم کند. چرا باید سعی کنم؟ تسلیم می‌شوم!" اما اگر تو بهترینت را انجام می‌دادی باز وضعیت همین گونه می‌شد؟

اولین و اساسی‌ترین استراتژی

اگر هیچ‌چیز از داستان کیک بالا یاد نگیریم باید این را یاد بگیریم که نیات خالصانه و حتی دعا به تنها‌یی کافی نیست. برای پیروزی بر وسوسه، ما باید هدف مشخص و استراتژی منطقی‌ای داشته باشیم و باید آن‌ها را صادقانه اجرا کنیم. اولین خط دفاعی ما در مقابل ناپاکی چیست؟ «از بی‌عفتی بگریزید.» (اول قرنتیان ۶ :

وقتی نوبت به وسوسه‌ی جنسی می‌رسد، بزدل بودن نتیجه می‌دهد. آنکس که دودل است (و استدلال می‌کند) شکست می‌خورد ولی آنکه فرار می‌کند، زنده می‌ماند. کتاب مقدس موکداً می‌گوید:

«به راه شریران پا مگذار و در طریق بدکاران
گام مزن. از آن دوری کن و در آن ره مسپار؛
از آن، روی بگردان و به راه
خویش رو.» (امثال ۱۴: ۱۵)

یوسف این گونه عمل کردی را در ارتباط با همسر فوتیفار از خود نشان می‌دهد:

و با اینکه او هر روز با یوسف چنین سخن می‌گفت،
به او گوش نمی‌گرفت تا با او بخوابد یا با او باشد. اما روزی،
چون یوسف به خانه درآمد تا به کار خویش پردازد
و از اهل خانه کسی آن‌جا در خانه نبود، همسر
فویفار جامه‌ی وی را گرفت و گفت:
«با من همبستر شو!» ولی یوسف جامه‌ی
خویش را در دست او واگذاشت و
گریخت و بیرون رفت.» (پیدایش ۳۹ : ۱۰-۱۲)

یوسف نه تنها از رفتن به تخت‌خواب خودداری می‌کند، بلکه از با او بودن نیز دوری می‌کند. وقتی نهایتاً آن زن خود را به سمت یوسف پرت کرد یوسف نماند، بلکه فرار کرد. نمانید و تلاش نکنید تا در برابر وسوسه مقاومت کنید. وقتی فرصتی پیدا کردید فرار کنید. اگر رژیم دارید از خوردن کیک دوری کنید. فاصله‌ی خود را با آن حفظ کنید. اگر به فرزندان خود بگویید: "در بزرگراه بازی نکنید!" از آن‌ها چه انتظاری خواهید داشت؟ تا برond در بزرگراه، یا روی جدول‌ها راه روند یا از گارد بزرگراه بالا و پائین بپرند و از آن‌ها آویزان شوند یا کنار خطوط سفید جاده برقصند؟ مسلماً نه! این یعنی بازی با آتش! ممکن است آن‌ها بگویند: "اما ما به بزرگراه نرفتیم!" شاید نرفته باشند ولی اگر ببینند که چقدر می‌توانند به بزرگراه نزدیک شوند، همان کافی است که در فرصتی مناسب وارد شوند و ماشینی آن‌ها را زیر بگیرد. به همین خاطر من این سؤال قدیمی را که می‌پرسند "تا کجا می‌توانم پیش روم؟" را دوست ندارم. منظورمان از این سؤال چیست؟ چقدر می‌توانیم بدون گناه به گناه نزدیک شویم؟ آن‌ها می‌گویند به من بگو مرز و خط کجاست؟ تا کجا می‌توانم با انگشت پاها یم به آن نزدیک شوم؟ کتاب مقدس چیزی متفاوت می‌گوید:

«از امیال جوانی بگریز، و به همراه آنان که با دلی
پاک خداوند را می‌خوانند، در پی پارسایی و
ایمان و محبت و آرامش باش.» (دوم تیمو تاثوس ۲: ۲۲)

وقتی شما می‌گریزید، دیگر بر نمی‌گردید و بپرسید که آیا: "این قدر فاصله کافی است؟" روح اطاعت می‌گوید: "اگر پدرم می‌گوید خطرناک است پس من از آن دور خواهم ماند. اگر این مرز است، از این مرز ۲۰۰ متر دورتر می‌ایستم، نه در دو سانتیمتری آن!" سبقت بجویید و از گناه جلوگیری کنید.

کسانی که سفر کردن جزو لاینفک شغلی آن‌هاست با وسوسه‌های جنسی بسیاری سر و کار دارند. خانه، خانواده و جامعه محدودیت‌هایی طبیعی ایجاد می‌کنند. مسافت این محدودیت‌ها را برمی‌دارد. ناشناس بودن، تنها‌یی و اوقات فراغت معمولاً آواری فاجعه‌انگیز به همراه دارند.

من زنان و مردان مقدسی را می‌شناسم که مرتباً در سفر هستند و یکی بعد از دیگری پیروزی‌های اخلاقی خود را جشن می‌گیرند. اما خادمینی را می‌شناسم که مسیری پر از شکست را طی می‌کنند. آن‌ها باید از سفر کردن دست بکشند. حتی اگر از درآمد آن‌ها کاسته می‌شود.

در کنفرانسی از مردان پرسیدم که چه کسانی زیاد سفر می‌کنند؟ لطفاً بایستند و آنچه در مقابله با این وسوسه کارآمد بوده را با دیگران قسمت کنند. برادری گفت که برای سال‌ها در اتاق هتل فیلم‌های غیراخلاقی نگاه می‌کرد. بعد از بارها شکست آخر تصمیم گرفت کاری کند. او گفت:

"هر وقت به هتلی وارد می‌شوم، از آن‌ها می‌خواهم تلویزیون را از اتاقم بردارند. بدون استثنای طوری به من نگاه می‌کنند که انگار دیوانه‌ام. با احترام به من می‌گویند: "اما قربان، نیازی نیست آن را روشن کنید!" از آنجایی که من مشتری هستم و پول داده‌ام با احترام پافشاری می‌کنم و یک بار هم آن‌ها مانع نشده‌اند. بی‌اخلاقی دکمه‌ای نیست که آن را فشار دهید و بتوانید از آن فرار کنید. من به خداوند این گونه می‌گویم: "خداوندم، من جدی

هستم!" این کار را برای سال‌ها انجام داده‌ام و این کلید پیروزی من است و بعد از آن همه چیز تغییر کرده است. این برادر به روشی عالی دست یافته بود. از وسوسه دور ماندن راحت‌تر از مقاومت در برابر آن است. زمانی که در اوج قدرت هستید، تصمیمی بگیرید که اجازه ندهد شهوت در زمان ضعف‌تان بر شما مسلط گردد.

درون‌тан را پرورش دهید.

خطری وجود دارد و آن این است که کتابی مثل این کتاب ممکن است به عنوان قانون، اصلاحیه یا متمم اخلاقی تلقی شود. من به خوبی بر این موضوع واقفهم که راهنمایی ساده و نصحت "بیشتر سعی کن!" برای خلاص شدن از چنگال شهوت یا قدرت عادتی حک شده در تار و پوستان، کفایت نمی‌کند. فرمول کوتاه و راحتی وجود ندارد.

از اهمیت حضور و قوت مسیح قیام کرده در وجود و زندگی شما هر چه بگوییم کم است. شما به تنها‌یی و با تکیه بر قوت خود نمی‌توانید خود را اصلاح کنید. ممکن است فواید محدودی داشته باشد اما به احساس عدالت شخصی ختم می‌شود. زندگی مسیحی چیزی فراتر از مدیریت گناهان است. زندگی مسیحی تبدیلی آسمانی و کسب توانمندی آسمانی است تا بتوانید زندگی پرهیز‌گارانه‌ای داشته باشید.

با این حال کلام‌خدا به ما دستور می‌دهد تا کارهایی را انجام دهیم و از کارهایی اجتناب کنیم. برای انجام کارهایی که در توان ما است ابتدا باید قلب ما تبدیل شود. پس باید قدم‌های حکیمانه‌ای برداریم و بدانیم که فقط قدم‌های شایسته و انجام دادن کار درست کفایت نمی‌کند، این جزء ملزمات است زیرا پیروزی یا شکست برای کسب و حفظ پاکی در سکوت و بر روی زانوهای مان کسب می‌شود. مشغله‌ی روزمره ما را خسته می‌کند و توانایی ما را برای

شنیدن هشدارها مختل می‌کند، شنیدن هشدارهایی که روح خدا، کلام خدا و قوم او به ما گوشزد می‌کنند. خستگی ما را در برابر آنچه در حال روی دادن است، آسیب‌پذیر می‌سازد. تفتیش صحیح نقاط ضعف، قسمت‌های حساس ما را آشکار می‌کند. مشخص می‌شود که چه موقعیتی ما را وسوسه می‌کند و متأسفانه در بسیاری اوقات ما خدا را مقصراً این امور می‌دانیم.

زمانی که در حضور خداوند سپری می‌شود، سرچشمه‌ای است که باعث جاری شدن قدوسیت و شادی و نشاط در زندگی ما می‌گردد. به ما یادآوری می‌کند که چه کسی هستیم و به چه کسی تعلق داریم. ما شهروند آسمانیم. (فیلیپیان ۳: ۲۰ را مطالعه کنید) ما بر زمین بیگانه و غریب هستیم که مشتاق سرزمنی والاًتر و آسمانی هستند. (عبرانیان ۱۱: ۱۳-۱۶ را مطالعه کنید). ما با ویزای وقت بر زمین اقامت داریم. وقتی ذهن خود را هر روزه بر آسمان معطوف کنیم، جایی که عیسی آن جاست، او ما را قوت می‌بخشد تا اعمال طبیعت کهنه همچون بی‌عفتی، ناپاکی و شهوت را بکشیم. (کولسیان ۳: ۱-۵)

نقل قول‌هایی از کلام را به خاطر بسپارید.

عیسی برای پاسخ به وسوسه‌های شیطان از کتاب مقدس نقل قول می‌کرد. (متی ۴: ۱۱-۲ را مطالعه کنید). وقتی زمان دفاع از پاکی می‌رسد آماده باشید تا شمشیر روح، که کلام خداوند است (افسیان ۶: ۱۷) را از غلاف بیرون بکشید. برای این کار نیاز است که کلام را حفظ کنید:

«کلام تو را در دل خود ذخیره کرده‌ام، تا به تو گناه نورزم!» (مزامیر ۱۱: ۱۱۹)

اصول پاکی شامل دانستن قسمت‌های مختلفی از کلام می‌شود. آیاتی که با قلب شما سخن گفته‌اند را انتخاب کنید. آن‌ها

را بنویسید و با خود همراه داشته باشید. آن‌ها را به شکلی کاربردی به کار ببرید. وقتی وسوسه می‌شوید با شیطان وارد مشاجره نشود. کتاب مقدس جملاتی که بتوانید از آن استفاده کنید را در اختیار شما قرار می‌دهد. آن‌ها را حفظ کنید و به کار گیرید.

دعا کنید و تسلیم نشوید.

عیسیٰ به شاگردانش یاد داد که: «مدام دعا کنید و تسلیم نشوید» (لوقا ۱۸: ۱) معمولاً ما بعد از هر شکست به زانو در می‌آییم. اما نیاز واقعی این است که قبل از شروع مبارزه به زانو درآییم. خیلی وقت‌ها ما با گناه اعلام صلح می‌کنیم. ما بی‌عفتی را تحمل می‌کنیم و به آن اجازه می‌دهیم قلمروهای بیشتر یا زندگی ما و خانه‌ی ما را مال خود کند.

عیسیٰ می‌گوید: "تسلیم نشوید، برای رسیدن یاری خداوند دعا کنید!" بعضی از خوانندگان در این مورد شکاک خواهند بود چون شنیده‌اند که " فقط کلام بخوان و دعا کن و این همه‌چیز را حل می‌کند! " خیر! این کار همه‌چیز را حل نمی‌کند، بلکه هیچ‌چیز بدون آن حل نمی‌شود. عیسیٰ می‌دانست درباره‌ی چه صحبت می‌کند. یعقوب هم همین طور!

«پس تسلیم خدا باشید. در برابر ابلیس ایستادگی کنید، که از شما خواهد گریخت.» (یعقوب ۴: ۷)

اگر زندگی مقدس امکان پذیر نبود، آیا خداوند به شما می‌گفت که از ناپاکی دوری کنید؟ بسیاری از افراد به خاطر شکست‌های پی‌درپی پیروزی را غیر قابل حصول می‌دانند. آن‌ها تسلیم شده‌اند. مطمئن باشید این افراد مستقیماً به سوی شکست در حرکتند اما خداوند ما را قوت می‌بخشد تا بر شکست‌ها غلبه یابیم و افرادی را به عنوان الگو قرار دهیم که طعم پیروزی بر گناه را چشیده‌اند.

یکی از دوستان من که در این مبارزه پیروز شده بود به من گفت: "مردم هیچ وقت تغییر نمی‌کنند مگر اینکه تغییر کردن ضرر کمتری نسبت به ماندن در آن وضعیت داشته باشد!" بسیاری از ایمانداران نالمید و شکست‌خورده، در گروه‌های ترک اعتیاد جنسی در حال سپری کردن دوره‌ی بهبودی خود هستند و این روشی خوب برای زندگی آن‌ها محسوب می‌شود. وجود دهها هزار نفر از افرادی که در حال حاضر در قید حیات هستند سندی بر این مدعای است که می‌شود بر وسوسه‌های جنسی پیروز شد، فقط احتیاج است که صادقانه داستان زندگی آن‌ها را در کلیسا بشنویم، تا خدا جلال یابد و پیغام امید او به گوش‌ها برسد.

همین‌طور، بسیاری از غیرمسیحیان نیز آزادی چشمگیری را از چنین وسوسه‌هایی تجربه کرده‌اند. این آزادی از طریق شرکت در برنامه‌های غیرمذهبی‌ای کسب شده که به نام "معتمدان جنسی گمنام" معروف است. آن‌ها نیز از ۱۲ قدم الکلی‌های گمنام پیروی می‌کنند. اگر مردانی که عیسی در زندگی آن‌ها نقشی ندارد چنین قدم‌های انقلابی‌ای برای تغییر برمی‌دارند (البته بر مبنای اصول کتاب مقدسی)، چگونه تصور می‌کنیم روح خدا نمی‌تواند در ایمانداران بیشتر عمل کند و آن‌ها را برای کسب رهایی تقویت ببخشد؟

اگر کسی بر شقیقه‌ی شما اسلحه‌ای بگذارد و بگوید ماشه را خواهم کشید اگر به تصاویر مستهجن نگاه کنید، آیا شما باز به چنین تصاویری نگاه خواهید کرد؟ خیر! پس شما نباید این کار را انجام دهید. شما خود و چشمان‌تان را در مکان اشتباهی هدایت می‌کنید. اینجا جایی است که باید بیاموزید افکار خود را با حقیقت‌الهی اصلاح کنید. به انگیزه‌های اشتباه خود نه بگویید و انگیزه‌های جدیدی را پرورش دهید.

می‌توانید تلویزیون را خاموش کنید، بیرون بروید، چشمان‌تان را ببندید. نیازی نیست روی آن تصویر کلیک کنید. نیازی نیست

آن خانم یا آقا را در آغوش بگیرید یا اجازه دهید آن‌ها شما را نوازش کنند. انتخابی وجود دارد. از منابع فوق طبیعی خود استفاده کنید. (۲ پطرس ۱: ۳-۴ را مطالعه کنید.)

«زیرا فیض خدا به ظهور رسیده است، فیضی که همگان را نجات بخش است و به ما می‌آموزد که بی‌دینی و امیال دنیوی را ترک گفته، با خویشن‌داری و پارسایی و دینداری در این عصر زیست کنیم.» (تیتوس ۲: ۱۱-۱۲)

این دو موضوعاتی عالی از کتاب مقدس هستند: فیض و نجات. چالش‌های جنسی باید یادآور نیاز به فیض و قوت در ما شود و ما را مشتاق نجات‌نهایی بگرداند. (رومیان ۷: ۷-۲۵)

اگر زندگی پاک برای شما قانع کننده به نظر نمی‌رسد، خود را وقف برنامه‌های آموزشی ۲۴ ساعته کنید. آیا از اعمال و اسارت شهوت آزادی می‌خواهید؟ از دیگران کمک بگیرید. حکیم باشد. از وسوسه دوری کنید. رو به عیسی کنید. روش‌های کاربردی عیسی را بکار بگیرید. از قوت او استفاده کنید.

وقتی ۲۴ ساعت تمام شد، شما خدا را چشیده‌اید و نیکویی او را دیده‌اید. (مزامیر ۳۴: ۳۸ را مطالعه کنید) هر باری که یک روز کامل بر عیسی متکی باشید برای ۲۴ ساعت بعدی تعهد بیشتری در خود احساس می‌کنید.

هرگز عیسی را دست کم نگیرید. گناه از خداوند قوی‌تر نیست. هرگز تصور نکنید که قبل از رفتن ما به آسمان پیروز می‌شویم. خداوند چیز دیگری می‌گوید. نیاز نیست ما برای پیروزی صبر کنیم. ما باید در پیروزی زندگی کنیم. (اول یوحنا ۵: ۴ را مطالعه کنید).

فصل هفتم

عمل نمودن به طور افراطی

فرض بگیرید من بگویم: "دختر زیبایی در این آپارتمان زندگی می‌کند. بباید برویم از پنجره او را نگاه کنیم که لباس خود را در می‌آورد، بعد با بالاتنه‌ای برخene ژست می‌گیرد. بعد این دختر و دوست پسرش به تخت می‌روند، بباید رابطه‌ی جنسی آن‌ها را ببینیم. بباید گوش دهیم و بخار گرفتن شیشه‌ها را تماشا کنیم!" خُب همگی ما این کار را تقبیح می‌کنیم. اما فرض کنید به جای این جملات بگویم: "بچه‌ها بباید فیلم تایتانیک رو ببینیم! چون مسیحیان بسیاری دیدن این فیلم را پیشنهاد می‌کنند، گروه جوانان کلیسا نیز با هم آن را نگاه کردند و خیلی‌ها نیز در خانه‌های شان آن را تماشا کردند." با این حال فیلم حاوی همان صحنه‌هایی است که من در بالا توصیف کردم.

پس، همین‌طور که مردان جوان ما با دنبال‌کردن تصاویر تحریک کننده‌ی دختران در فیلم شهوت‌رانی می‌کنند زنان ما نیز متأسفانه یاد می‌گیرند که چگونه می‌توانند توجه مردی را به خود جلب کنند. چگونه موضوعی شوکه‌آور و شرم‌آور کم‌کم تبدیل به موضوعی قابل قبول می‌گردد؟ چون ما به جای اینکه از پشت پنجره به اتاق همسایه نگاه کنیم داریم آن را از صفحه‌ی تلویزیون تماشا می‌کنیم. از نظر ماندگاری این دو موضوع در ذهن و تأثیر آن بر اخلاقیات، آیا تفاوتی وجود دارد؟ با این حال خیلی‌ها فکر می‌کنند، تایتانیک یک فیلم عادی است! حتی جزو فیلم‌هایی نیست که برای افراد زیر ۱۸ سال ممنوع باشد.

هر روز مسیحیان بسیاری در سراسر دنیا، از جمله خیلی از رهبران کلیسا‌ای، به تماشای کسانی در تلویزیون می‌نشینند که

مشغول برهنه شدن هستند. ما نگاهی به بدن افرادی می‌اندازیم که دست به گناه و زنا می‌زنند. اعمالی که خدای ما آن را شنیع می‌خواند. ما تبدیل به چشم‌چرانانی می‌گردیم که گناه با نگاهی دزدکی، ما را سرگرم خود کرده است.

بدهیه جلوه دادن شیطان

استراتژی دشمن آن است که شیطان را یک پدیده‌ی طبیعی جلوه دهد. جوانانی را در نظر بگیرید که درگیر هوس‌های همجنس‌گرایانه هستند. تماشای سریال‌های تلویزیونی که زندگی همجنس‌گرایان با هم طبیعی به نظر می‌رسد چه تاثیری بر جوانان خواهد داشت؟

والدین هرگز تصور نمی‌کنند که پرستار کودک‌شان می‌تواند با ذهنی کثیف از کودک‌شان مراقبت کند یعنی او هر روز با جستجوی منابع کثیف در اینترنت دارد. ذهن آن کودک را نسبت به گناه بی‌حس می‌گردد. نه فقط خودِ ما، بلکه کودکان ما نیز نسبت به گناه بی‌حس می‌شوند. چرا تعجب می‌کنیم وقتی پسرمان باعث بارداری دختری می‌شود اگر ما به او اجازه داده‌ایم صدها عمل شنیع را ببیند و هزاران کنایات جنسی رشت را بشنود؟ شاید جواب بدھیم بابا این فقط یه صحنه‌ی مستهجن کوچک است!

فرض بگیرید من به شما خوردن یک شیرینی را پیشنهاد بدهم و بگویم: "کمی فضله‌ی موش داخل خمیر افتاده، اما کلاً شیرینی خوبی است. اصلاً متوجه هم نخواهی شد!"

ترس از خدا تنفر از شریر است (امثال ۱۸:۱۳ را مطالعه کنید). وقتی شیطان ما را سرگرم می‌کند، چگونه می‌توانیم از او متنفر باشیم؟ چگونه می‌توانیم پاک باشیم وقتی که خود را با ناپاکی سرگرم می‌کنیم؟ خداوند به ما هشدار می‌دهد که از رابطه‌ی جنسی نامشروع به شکلی نامناسب سخن نگوییم:

«مباد که در میان شما از بی‌عفتنی یا هرگونه ناپاکی یا شهوت پرستی حتی سخن به میان آید، زیرا اینها شایسته‌ی مقدسان نیست. گفتار زشت و بیهوده‌گویی و سخنان مبتذل نیز به هیچ روی زیبنده نیست؛ به جای آن باید شکرگزاری کرد.» (افسیان ۵: ۳-۴)

آیا می‌بینید که چگونه یک سریال درام یا کمدی در برابر این آیات قد علم می‌کند؟ سریال‌های تکراری آخر شب چطور؟ آیا آن‌ها حاوی "سرنخ‌هایی از بی‌اخلاقی‌های ذهنی هستند" یا "شوخی‌های بی‌ادبانه؟" اگر ما به برنامه‌های کمدی آخر شب که با جملات و کنایه‌های شرم‌آور تنبید شده گوش می‌دهیم آیا واقعاً از خدا می‌ترسیم و از شیطان متنفریم؟

عیسای رادیکال

کلام عیسی را در نظر داشته باشید:

«شنیده‌اید که گفته شده، "زن‌ماکن". اما من به شما می‌گویم، هر که با شهوت به زنی بنگرد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است. پس اگر چشم راست تو را می‌لغزاند، آن را به در آر و دور افکن، زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضا است نابود گردد تا آن که تمام بدن به دوزخ افکنده شود و اگر دست راست تو را می‌لغزاند، آن را قطع کن و دور افکن، زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضا است نابود گردد تا آن که تمام بدن به دوزخ افکنده شود.» (متی ۵: ۲۷-۳۰)

چرا عیسی چنین تصویر شوکه‌کننده‌ای را توصیف می‌کند؟ باور دارم که او از ما می‌خواهد قدم‌هایی انقلابی برداریم، تا هر چه لازم است را برای مقابله با وسوسه‌ی جنسی انجام دهیم. حالا، دست و چشم ما دیگر عامل گناه نیستند. مردی کور هنوز می‌تواند شهوت‌ران باشد و کسی که دست ندارد می‌تواند دزدی کند. چشم ورودی دسترسی به عفت و بی‌عفتنی است و دست

وسیله‌ی انجام عملی نیکو یا گناه است. پس ما باید از آنچه دست می‌کند و چشم می‌بیند محافظت کنیم.
اگر سخنان عیسی را جدی بگیریم، نیاز است که به پاکی جنسی به نحوی انقلابی و انتشاری رسیدگی کنیم.

آنچه که باید انجام دهم.

مبازه بسیار شدید و خطر بسیار بالاتر از آن چیزی است که ما فکر می‌کنیم و اگر این موضوع را درک کنیم به موضوع قداست و پاکی جنسی همانند موضوعی عادی نگاه نخواهیم کرد. پس اگر نمی‌توانید چشم خود را از آن عکس‌های مبتذل دور نگاه دارید، بهتر است اصلاً به معازه‌ی فروش محصولات تصویری (فیلم و سریال) نروید.

"ای بابا! همه به این معازه‌ها می‌رونند!" بله همه می‌رونند اما اگر رفتن شما باعث می‌شود که مرتكب گناه شوید، نباید بروید.
تمام!

آیا افکار شما وقتی با شخص خاصی هستید برای شما مزاحمت ایجاد می‌کند و شما را به کار خاصی ترغیب می‌کند؟ از وقت گذراندن با او دست بکشید. آیا نوع خاصی از موسیقی باعث تحریک جنسی شما می‌شود؟ از گوش دادن به آن نوع موسیقی دست بکشید. آیا تماس‌های تلفنی‌ای دارید که نباید داشته باشید؟ شماره تلفن ارائه محصولات جنسی را بلاک کنید تا نتوانید به آنها زنگ بزنید.

اگر همه‌ی این اقدامات برای شما حکم عصای دستی دارند، مشکلی نیست، از هر چه می‌توانید استفاده کنید تا به شما در راه رفتن کمک کنند.

بعضی مردان از طریق تبلیغ لباس‌های زیر، بیلبوردها، زنان در شلوارهای تنگ و نازک، زنان با پیراهن‌های چاکدار و دامن‌های کوتاه، رقص‌ها، فیلم‌ها، شوهای تلویزیونی و تبلیغ انواع آبجو و

بیکینی گرفتار زنای ذهنی می‌شوند. ضعف بعضی از مردان در تماشای تبلیغات روز یکشنبه‌ی روزنامه‌ها یا مجلات آشکار می‌شود.

پس از نگاه کردن اجتناب کنید و دیگر خود را در این موقعیت قرار ندهیدا

اگر باید از برنامه‌های تلویزیونی خاصی خلاص شوید تا از پاکی خود محافظت کنید پس این کار را انجام دهید. اگر این به این معنا است که به مسابقات ورزشی به خاطر طرز لباس پوشیدن راقسان یا هوداران‌شان نباید بروید، پس نروید. اگر به این معنا است که باید سرخود را پایین بیاندازید و چشمان خود را بیندید خجالت نکشید و این کار را بکنید و یا در خانه بمانید.

به همسر خود از چالش‌های تان بگویید. یا اگر مجرد هستید با دوستی امین این موضوع را در میان بگذارید. اگر لازم است به خاطر آن تبلیغ‌ها روزنامه را به زمین بیاندازید، مشکلی با زمین افتادن آن‌ها پیش نمی‌آید. اگر نیاز است همسر شما اول آن را نگاه کند و محتویات نامناسب را از آن خارج کند از او بخواهید این کار را بکند.

سال‌ها پیش شروع به پاره کردن و دور انداختن کاورهای مجلات راهنمای تلویزیون که تحریک کننده بودند، نمودم. زن من این کار را الان زودتر از این که من آن‌ها را ببینیم، انجام می‌دهد. از کمک‌های او متشکرم. (البته، برخی از مجلات اصلاً نباید در خانه وارد شوند، از جمله مجلات تبلیغی مربوط به محصولات آرایشی بهداشتی زنان)

رومیان ۱۳ : ۱۴ به ما تعلیم می‌دهد که در پی اراضی امیال نفس خود مباشد. گناه است اگر خود را عمدتاً در موقعیتی قرار دهیم که مرتكب گناه می‌شویم. چه می‌خواهد قسمت لباس‌های نیمه برهنه باشد، استخر شنا، یا رختکن باشگاه ورزشی باشد. اگر باعث ناراحتی و تحریک شمامست از آن دوری کنید.

امثال زن آواره‌ای را توصیف می‌کند که با مردی ابله بعد از تاریکی شب ملاقات می‌کند. (امثال ۷-۸ مطالعه کنید.) ما باید از افراد، مکان‌ها و زمینه‌ای که احتمال ارتکاب گناه را بالا می‌برد دوری کنیم.

اگر کتاب‌فروشی خاصی، محل قرار با دوست قدیمی از دبیرستان شما است، از رفتن به آن جا انصراف دهید. اگر کانال‌های ماهواره‌ای، اینترنت، شبکه‌های تلویزیون یا کامپیوترها برای شما مشکل‌آفرین هستند، پس از شر آن‌ها خلاص شوید.

به هر چیزی که شما را از عیسی دور می‌کند، نه بگویید. به یاد داشته باشید، اگر شما می‌خواهید نتیجه‌ای متفاوت حاصل کنید، باید تصمیمات متفاوتی بگیرید.

اگر نمی‌توانید بدون افکار شهوت‌آلود به زنانی که در لباس شنا هستند نگاه کنید، پس شما نمی‌توانید به آن جا بروید. پس به تعطیلات یا جایی که زن‌ها چنین لباسی می‌پوشند، نروید. اگر به این معنا است که نباید به اسکی روی آب یا تفریحگاه مورد علاقه‌تان بروید، پس نروید. اگر به این معنا است که به مراسم شام کلیسا‌ای نمی‌توانید بروید، پس نروید. خیلی افراطی به نظر می‌رسد؟ نه؟ آن را با در آوردن چشم یا بریدن دست مقایسه کنید.

وقتی من و خانواده‌ام قرار بود به تعطیلات تابستانی برویم، به داماد ایمیل فرستادم و گفتم: "بیا این کار را انجام ندهیم تا وقتی که نمی‌توانیم چشمان‌مان را از زنان و لباس‌های شنا دور نگاه داریم. اگر نمی‌توانیم نباید برویم." مردان جوان مقدسی وجود دارند و تا جایی که می‌دانم با این کار موافقند. ما در نبرد برای پاک ماندن با یکدیگر متحده شدیم.

برای خیلی از مردها مبارزه بعد از تاریکی سخت‌تر می‌شود. روابط نامشروع اینترنتی و خطهای تلفنی ترغیب کننده‌ی شبانه، امروزه غوغایی کنند. راه حل، ممکن است سخت و سریع‌الاجرا

باشد. از همسر خود دیرتر نخوابید، یا بعد از خوابیدن همسرتان از تلویزیون و اینترنت استفاده نکنید.

اگر شما در حال سقوط هستید از آنچه باعث آزار شماست راحت شوید.

ولی!

"اما دیگر برنامه‌ی تلویزیونی خوبی باقی نمانده است!" پس از تماشای تلویزیون دست بکشید. کتاب بخوانید. با افراد صحیح مشارکت داشته باشید.

"اما همه‌ی رمان‌های جدید نیز موضوعات جنسی دارند!" پس رمان‌های قدیمی را بخوانید. کتاب‌های نویسنده‌گان مسیحی را بخوانید.

"اما من عضو مجله‌ی ورزش‌های آبی هستم ولی آن زمان تبلیغ لباس شنا در این مجله رواج نداشت این اواخر این قسمت را اضافه کرده‌اند!" پس از عضویت خود انصراف دهید و به آن‌ها بگویید چرا حق اشتراک خود را پس گرفته‌اید.

"اما کرایه‌ی فیلم بدون صحنه‌های مستهجن و فحش‌های رکیک تقریباً غیرممکن است!" سایت‌های معرفی فیلم‌های مسیحی وجود دارند که می‌توانند برای انتخابی مناسب به شما کمک کنند. همچنین سازمان‌هایی وجود دارند که فیلم‌های سانسور شده را ارائه می‌دهند، نرم‌افزار و سخت‌افزارهایی وجود دارند که می‌توانند صحنه‌های نامناسب تلویزیون را حذف کنند. اما فرض را بر این قرار می‌دهیم که فیلم مناسبی وجود ندارد. آن موقع چه؟ من از فیلم‌های خوب لذت می‌برم، اما کتاب مقدس به ما دستور نمی‌دهد که "فیلم نگاه کنیم!" اما دستور می‌دهد از دل خود محافظت کنیم. این مبارزه‌ای خونین است. هر کاری می‌توانید بکنید تا در پاکی قدم بردارید!

دوستی با خود عهد بست که هر روز از خود بپرسد: "آیا هر کاری می‌کنی تا نجابت جنسیت را حفظ کنی؟ آیا از خدا کمک می‌خواهی؟ آیا کمک دیگران را طلب می‌کنی؟ آیا به جلسات کلیساپایی می‌روی؟ آیا وقت خود را با مطالعه‌ی کتب ادبی می‌گذرانی؟ آیا مرزی قرار داده‌ای و به آن مرزها پایبند هستی؟ آیا با خود صادق هستی؟" اما این سؤالات خیلی افراطی هستند. یعنی تو می‌گویی از محصولات فرهنگ دست بکشیم؟ سخنان تو بسیار افراطی است"

نه! حرف من اصلاً شدید و تندریست. اگر این کارها شما را از وسوسه‌ی جنسی محافظت می‌کند، پس بهتر از درآوردن چشم و بریدن دستتان است. این حرکتی افراطی تلقی می‌شود!

دعا کردہ‌ام: "که خداوند؛ قبل از اینکه به زنم خیانت کنم و دست به زنا بزنم، لطفاً مرا بکش!" من این دعا را از بیل برایت شنیدم و می‌دانستم جدی می‌گوید. من هم جدی می‌گفتم.

خیلی‌ها ادعا می‌کنند در مورد پاکی جدی هستند، اما می‌گویند: "هرگز؛ من از شبکه‌های کابلی دست نمی‌کشم!" "نمی‌گذارم زنم رمز عبور کامپیوترم را بفهمد!"

پیروان عیسی شکنجه را تحمل کردند و زندگی خود را برای اطاعت از او فدا کردند و ما برای داشتن شبکه‌های کابلی شکایت می‌کنیم؟

وقتی عیسی از ما خواست صلیب‌مان را برداریم و به دنبال او برویم (متی ۱۰: ۳۸ را مطالعه کنید) آیا این به معنی فداکاری بیشتر، از محدود کردن اینترنت محسوب نمی‌شود؟

چقدر وقف مبارزه برای حفظ پاکی‌تان هستید؟ چقدر خواهان پیروزی بر گناهید؟ چقدر برای خداوند خود انقلابی عمل می‌کنید؟ چقدر شادی و آرامشی که در عیسی یافت می‌شود را طالب هستید؟ پاکی فقط برای آنانی است که آن را می‌خواهند.

کنترل اینترنت

از خدمات اینترنتی مناسب خانواده استفاده کنید. نرم‌افزارهای مخصوص فیلترینگ سایت‌های مستهجن را بر کامپیوتر خود نصب کنید هر چند جلوی همه‌ی این مسائل را نمی‌گیرد. از کس دیگری بخواهید که کلمه‌ی عبور شما را بداند. از کسی بخواهید که مرتب‌آرشیو مرورگر شما را چک کند تا تأیید کند که در قدم‌های خود با خداوند استوار بوده‌اید و خود را به خطر نمی‌اندازید.

کامپیوتر را به پذیرایی خانه انتقال دهید. مگر اینکه سابقه‌ی استفاده پاک از اینترنت را داشته باشد. اگر در خانه تنها هستید از اینترنت استفاده نکنید. همیشه مطمئن باشید که صفحه‌ی کامپیوتر به سمت دری باز باشد، طوری که مابقی بتوانند ببینند شما چه چیزی تماشا می‌کنید. (اول قرنطیان ۱۰ : ۱۳ را مطالعه کنید). در مورد روش‌های عملی استفاده‌ی صحیح از اینترنت کوشانید. اگر هنوز نمی‌توانید در این مبارزه پیروز شوید، اینترنت را قطع کنید. اگر کافی نیست کامپیوتران را جمع کنید.

مسئلیت تلویزیون را قبول کنید.

برنامه‌ای منظم داشته باشید تا شبکه و برنامه‌ی مناسب را انتخاب کنید. گشتن در کانال‌ها و سوسه‌انگیز است. تلویزیون خود را از برق بکشید. آن را در کمد بگذارید، یا در گاراژ تا از گشتن‌های بی‌هدف و زیر پا گذاشتن عهدتان جلوگیری کنید. در استفاده از دکمه‌ی "خاموش" آزاد باشید. از کنترل تلویزیون در زمانی که صحنه‌ای و سوسه‌انگیز می‌آید سریعاً استفاده کنید. کانال امنی را در ذهن داشته باشید تا بتوانید به آن بازگردید. به کودکان اجازه ندهید تا برنامه‌ی تلویزیونی خود را انتخاب کنند. همین‌طور که بزرگتر می‌شوند می‌توانند انتخاب‌های آزادانه‌تری داشته باشند، اما خانواده حق کنترل نمودن را دارد. از داشتن چند تلویزیون خودداری کنید که باعث جدا شدن خانواده از کودکان می‌شود. از تلویزیون به

عنوان پرستار بچه استفاده نکنید. برای هر ساعت تماشای تلویزیون یک ساعت کلام یا ادبیات مسیحی بخوانید یا در خدمتی شرکت کنید، حتی وقتی که تلویزیون برنامه‌های بدی نیز نداشته باشد، می‌تواند ما را از چیزهای بهتری دور نگاه دارد.

اگر شبکه‌های کابلی، دیش‌ماهواره و یا تلویزیون زندگی شما را به گناه آلوده می‌کند، آن را به کناری بگذارید. (این شریعت‌گرایی نیست، بلکه انضباط روحانی نام دارد.)

در فواصلی معین از تلویزیون برای یک هفته یا یک ماه روزه بگیرید. ببینید چه اتفاقی می‌افتد؟ می‌بینید می‌توانید برای آن شخصی که وقتی نداشتید، وقتی بیابید. (مخصوصاً عیسای مسیح.)

فصل هشتم

رهنمودهایی برای افراد مجرد

قسمت اعظم جمعیت دنیا را، افراد مجرد تشکیل می‌دهند. این شامل افراد جوان و همچنین کسانی است که هنوز ازدواج نکرده‌اند و کسانی که از طریق طلاق یا مرگ همسر خود را از دست داده‌اند. امروزه ترکیب بی‌سابقه‌ی اوقات فراغت، پول و حمل و نقل فرصت بسیار مخربی را برای جوانان مهیا نموده است. بین عدم نظارت والدین و افزایش فاصله‌ی بین بلوغ و ازدواج و عادی جلوه دادن روابط قبل از ازدواج ارتباطی مستقیم وجود دارد. چند لحظه‌ای فکر کنید. نتیجه بسیار شوکه‌کننده است و وسوسه برای افراد مجرد بسیار زیاد است، چه جوان و چه مسن!

واضح است که اگر کسی زندگی باعفت را می‌خواهد، باید از استراتژی‌های حکیمانه استفاده کند.

کتاب مقدس علیه قوانین تعیین شده به دست انسان هشدار می‌دهد قوانینی که باعث ریاضت بدنی می‌شود اما قادر ارزش برای مهار تمایلات نفسانی است. (کولسیان ۲۰ - ۲۳)

اصول و راهنمایی‌هایی که من به شما ارائه می‌دهم تنها زمانی ارزشمند خواهند بود که بر طبق کتاب مقدس و حکمت آسمانی به کار گرفته شوند. اما لزوماً این اصول حالت شریعت و قانون ندارند. کتاب مقدس بر علیه قوانین ساخته شده به دست انسان هشدار می‌دهد، یعنی ریاضت بدنی‌ای که قادر قدرت مهار تمایلات نفسانی است. (کولسیان ۲۰ - ۲۳)

کتاب امثال ما را به زندگی حکیمانه‌ای فرا می‌خواند، تا زندگی منطقی و خداپسندانه را تمرین کنیم. به ما گفته شده باید همانند سر بازان، ورزشکاران و کشاورزان باشیم. (دوم تیموتائوس ۲: ۳-۶)

را مطالعه کنید). خدا ما را فراخوانده تا پرهیزگاری را پیشه کنیم که از ثمرات روح است.

مجردها باید تا کجا پیش روند؟

خداوند میل جنسی و اشتیاق به آن را آفریده است. وقتی این میل تحریک شود، کم کم اوج می‌گیرد و بیشتر می‌شود. این واقعیتی بیولوژیکی است. نوازش یکدیگر به نحوی شگفتانگیز عشق‌بازی را در ما افزایش می‌دهد و عشق‌بازی مقرر شده تا در رابطه‌ی جنسی به اوج خود برسد.

شاید بعضی بگویند رابطه‌ی جنسی خارج از حیطه‌ی ازدواج منع شده است، اما عشق‌بازی که منع نشده است؟! از آنجایی که رابطه‌ی جنسی قبل از ازدواج اشتباه است، درگیر شدن در افعالی که ذهن و بدن را به آن سو سوق می‌دهد نیز اشتباه است. این بدان معنا است که مرزی باید قبیل از تحریک شدن شخص قرار داده شود. نوازش و هر فعل دیگری که باعث تحریک می‌گردد، ممنوع است.

وقتی به بدن خود اجازه دادید از آن مرز عبور کند، بدن نه از عهدهای مسیحی شما مطلع است و نه به آن‌ها اهمیت می‌دهد. مردها خیلی سریع‌تر و آسان‌تر از زن‌ها تحریک می‌شوند. زن‌ها معمولاً فکر می‌کنند بوسه‌های طولانی و در آغوش گرفته شدن‌ها خوب است، اما مرد سریعاً تحریک می‌شود و می‌خواهد پیش‌روی کند. شما باید مطمئن شوید که مرز را به قدری کافی دور قرار داده‌اید که به راحتی آن را رد نمی‌کنید.

اگر یکی از شما حتی با لمسی ساده شروع به تحریک شدن می‌کند، پس هر دوی شما باید عقب بکشید. اگر اینکار را نکنید برگزیده‌اید که در قایقی باقی بمانید که به سمت آبشاری خروشان در حال حرکت است. کسانی که درگیر تحریک جنسی می‌شوند باید از اینکه تسلیم رابطه‌ی جنسی شده‌اند، تعجب کنند. زیرا این

نتیجه‌ی طبیعی و قابل پیش‌بینی تصمیم آن‌ها است. اگر شما نتیجه‌ای دیگر می‌خواهید، تصمیم دیگری بگیرید. دوستان خود را حکیمانه انتخاب کنید.

«فریب مخورید: «معاشرت بد، اخلاق خوب را فاسد می‌سازد.» (اول قرنیان ۱۵: ۳۳)

طبیعت ما متأثر از محیط اطرافش می‌باشد. وقتی خود را در اتمسفری مقدس با افرادی مقدس قرار دهیم، از قدوسیت اتمسفر تأثیر می‌پذیریم. وقتی خود را در اتمسفری نامقدس با افرادی نامقدس قرار دهیم، گناه ما را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد.

«همنشین حکیمان حکیم گردد، اما رفیق جاهلان زیان بیند.» (امثال ۱۳: ۲۰)

ما تبدیل به کسانی می‌شویم که با آن‌ها وقت گذرانده‌ایم.

خداوند می‌گوید ما انسان‌ها کم‌کم تبدیل به "دوستداران لذت بیش از خدا" می‌شویم. برای همین به ما هشدار می‌دهد "از آن‌ها دوری جویید." (۲ تیموتائوس ۳: ۴-۵ را مطالعه کنید.)

قرار ملاقات عاشقانه با یک نفر یک گزینه است نه یک ضرورت! قسمت اعظم وسوسه‌ها زمانی ایجاد می‌شوند که ما مطابق با عرف اجتماع برای یافتن زوج مناسب جوانان را با هم تنها می‌گذاریم. چنین عادت‌هایی بر خلاف فرهنگ عبری و دیگر فرهنگ‌هاست که از جوانان انتظار دارد در حضور افراد بالغ با یکدیگر معاشرت داشته باشند.

شما می‌توانید از دوستی مثبت و مفرح با جنس مخالف لذت ببرید بدون اینکه نیازی باشد که دو نفره تنها باشید. اگر بیشتر به معاشقه تا با کسی بودن علاقه دارید نگاهی به کتاب جاشوا هریس؛ به نام "I kissed Dating Goodbye" بیاندازید.

من و همسرم رهنمودهایی عملی در ۱۶ صفحه برای دختران - مان و پسرانی که مایل به گذراندن وقت با آن‌ها بوده‌اند، نوشته‌ایم. من و همسرم نکته به نکته هر دفعه آن را بررسی می‌کنیم. اگر شما تصمیم گرفتید با کسی وقت بگذرانید، این راهنمایی‌ها ممکن است مفید باشند:

- اگر مسیحی هستید، فقط با مسیحیان وقت بگذرانید.
- اگر شما پیرو و متعهد به عیسای مسیح هستید، فقط با پیروان متعهد وقت بگذرانید.
- عیسی تمام بعد از ظهر با شماست. هر جا که بروید و هر چه که بکنید.
- به یاد داشته باشید طرف مقابل برادر یا خواهر شماست، نه معشوقه‌تان (اول تیموتاوس ۵ : ۲ - ۱)
- برای تفریح گروهی بیرون بروید نه تنها با یک فرد
- بر صحبت کردن تمرکز کنید نه لمس کردن. (مکالمه نه ارتباط فیزیکی.)
- از روابط سریع یا صمیمیت ناگهانی خودداری کنید.
- برای بعد از ظهر تان برنامه‌های مشخصی داشته باشید، بدون وقت اضافی.
- همدیگر را غافلگیر نکنید. هرگز تنها نباشید. سر مبل، در ماشین، دیر وقت یا در خانه یا اتاق خواب.
- مسئولیت حفاظت از پاکی خود را به عهده بگیرید.
- تصور کنید خانواده و رهبران کلیسا شما را از پنجره نگاه می‌کنند. خداوند می‌بیند. (ارمیا ۱۶ : ۱۷ را مطالعه کنید.)
- استانداردهای خود را بنویسید. هرگز بر شخص دیگری متکی نباشید.
- کاری با شخص مقابله انجام ندهید که نمی‌خواهید شخصی دیگر همان کار را با همسر آینده‌ی شما انجام دهد.

- مراقب "آتش هوس" باشید. از دوستی‌ها یا نامزدی‌های طولانی مدت خودداری کنید. وقتی جوانان و خانواده‌ها برای ازدواج توافق کردند صبر کردن بیشتر از نیاز، خطرناک است. (اول قرنتیان ۷ : ۸ - ۹ را مطالعه کنید.)

فصل نهم

رهنمودهایی برای زوج‌ها و والدین

ازدواج‌های بی‌شماری نابود شده‌اند زیرا رابطه‌ای معمولی در سرکار، مدرسه و حتی کلیسا ما را شیفته‌ی خود ساخته است. وقتی با افراد دیگر صحبت می‌کنید، با آن‌ها از همسر و فرزندان تان بگویید. مراقب باشید به چه چیزی فکر می‌کنید و با چشم و زبان بدن تان چه چیزی را منتقل می‌کنید. حتی اگر حسی نسبت به آن‌ها ندارید و با آن شخص درگیر نیستید، مراقب باشید زیرا نمی‌دانید آن‌ها چه فکری می‌کنند.

به خود بگویید، "این می‌تواند تبدیل به علاقه و جذابیتی شود که آنچه برای من اهمیت دارد را به خطر بیاندازد. نمی‌گذارم این اتفاق بیافتد." نیازی نیست دچار سوءظن گردید، فقط نیاز است هشیار باشید.

غباری که شیطان ایجاد می‌کند را کنار بزنید، قبل از اینکه غلیظ شود و شما را خفه کند. از دروغ قبل از اینکه پنجه‌های خود را به دور گردن تان بیاندازد، بگریزید.

ما باید سیستمی از پیش هشدار دهنده داشته باشیم تا خطرات اخلاقی را قبل از فرو رفتن ما در شن‌های روان تشخیص دهد. رابطه‌ای که می‌تواند تبدیل به رابطه‌ی جنسی شود، مخرب است.

پیوند زناشویی خود را استحکام ببخشید و از آن محافظت کنید.

هر زنا با یک فریب آغاز می‌شود و هر فریب با رازی معصومانه! (که نیازی نیست آن را بدانید) اگر شما متأهل هستید، مرتبأً رابطه‌ی خود با همسرتان را بسنجید. مراقب پرچم نارضایتی و رابطه‌ی

جنسی کمرنگ باشید. با هم صحبت کنید. موضوع را حل کنید، حتی اگر در دنای باشد.

نسبت به نیازهای جنسی همسرتان حساس باشید. به یاد داشته باشید که ازدواج مسئولیت جنسی به همراه دارد. «یکدیگر را محروم نکنید.» (اول قرنطیان ۲ : ۵) صادقانه با یکدیگر ارتباط داشته باشید. نگذارید تلخی ماندگار شود. اگر یکی از شما حس کرد به رابطه‌ی جنسی بیشتر یا کمتری احتیاج دارد، زمان‌های خاصی را مشخص کنید تا هر کدام از شما از خود نپرسد چه زمانی، زمان درستی است.

با همسر خود بیرون بروید. در برنامه‌ی خود جایی برای این کار در نظر بگیرید. سر کار، خود را با خاطرات همسر و فرزندان محاصره کنید. وقتی در مسافرت هستید، مرتبًا با خانواده تماس بگیرید.

شدیداً به همسر خود وفادار باشید. نیکوئی‌های او را مرتبًا به خاطر بیاورید. مشکلات زندگی زناشوئی‌تان را با جنس مخالف در میان نگذارید، مگر اینکه خانواده یا رابطه‌ای حرفه‌ای با او داشته باشید. حتی آن موقع هم باید مراقب باشید.

با یکدیگر دعا کنید. مراقب سلامت جسمی‌تان باشید. تا جایی که می‌توانید برای همسر خود جذاب باشید. با بقیه در جامعه مطابق با عرف رفتار کنید و در تنها بیی با همسر خود عاشقانه رفتار کنید. هرگز بر عکس این روش عمل نکنید.

سخت بکوشید تا همسرتان را وارد دنیای خود کنید. در مورد شغل خود صحبت کنید. در مورد کشمکش‌ها، نالمیدی‌ها و نگرانی‌های‌تان صحبت کنید. به سخنان هم گوش کنید. (روزنامه و موبایل‌تان را زمین بگذارید). دو زندگی جدا از هم زیر یک سقف نداشته باشید. این اولین قدم در رابطه با کسی است که "من و دنیای من را" می‌فهمد.

ازدواج مسیحی هم با دلشکستگی‌ها، کشمکش‌ها و خستگی‌های مشابه ازدواج‌های دیگر روبه‌رو است. (اما ما منبعی مافوق‌الطبیعی داریم که با آن روبه‌رو شویم.) ازدواج ما می‌تواند با تلخی، یکنواختی و درد دچار آفت شود. این موضوع می‌تواند ما را نسبت به دروغ‌های شیطان درباره‌ی هیجان و جذابیت یک شخص جدید آسیب‌پذیر کند. جواب آن شخص جدید نیست، بلکه تحسین و ارتقای رابطه با شخص قدیمی است.

جذابیت را به همسر خود بازگردانید.

دوستی برای من تعریف می‌کرد که در دوره‌ای از زندگی نسبت به زنش بی‌تفاوت شده بود. او خود را وقف دعا کرد تا خداوند زنش را برای او تبدیل به جذاب‌ترین زن دنیا کند. بعد از یک ماه دعا کردن، پاسخ او به وضوح داده شد. زن او تغییر نکرد، بلکه او تغییر کرد. بعد از شنیدن این داستان مردی همین کار را کرد و نتیجه‌ای عاشقانه را تجربه کرد. ازدواج هر دوی آن‌ها احیا شد.

چشمان خود را تعلیم دهید تا از تصاویر تحریک‌کننده دوری کنند و بر همسرتان تمرکز کنید. وقتی میل جنسی شما فعال شد، آن را بر شریک زندگی‌تان قفل کنید. اشتها می‌تواند پرورانده شود. بر آن‌چه تمرکز کنیم امیال ما را شکل می‌دهد. با انکار اشتها منحرف و تمرکز بر آن‌چه که درست است، می‌توان غالب شد. (امثال ۵ : ۱۹) شما می‌توانید به آن‌چه که مناسب است اشتیاق داشته باشید و عشق بورزید.

شریک زندگی‌تان را ارج نهید و متوجه باشید که ویژگی‌های او نتیجه‌ی سشوار، زاویه‌ی دوربین و جراحی‌های زیبایی نیست. ویژگی‌های او ناپدید نخواهد شد، بلکه می‌ماند و عمیق‌تر می‌گردد. چشمان خود را به روی همسرتان باز کنید و همسرتان خواسته‌ی واقعی و قلبی شما خواهد شد.

گاهی اوقات حل مشکلات ازدواج ما نیاز به کمک خارجی دارد. اگر در این شرایط هستید همین الان کمک بگیرید. کتاب‌های مسیحی و دیگر منابع را به عنوان ابزاری برای غنی ساختن ازدواج‌تان، مورد مطالعه قرار دهید. سازمان‌هایی هستند که کنفرانس‌های مفیدی را ارائه می‌دهند، آن‌ها را بیابید چون می‌توانند کمک شایانی به تقویت پیوند ازدواج‌تان بنمایند.

با شریک زندگی‌تان صادق باشید.

یک سال پیش زنی به من گفت که روزی همسرش با گریه پیش او آمد و اعتراف کرد که به همکار خود علاوه‌مند شده است. او در وسوسه‌ای دائمی گرفتار شده بود و احساس می‌کرد در حال لغزش است. او تصمیم گرفت که از هر رابطه‌ای اجتناب کند و از همسرش درخواست کرد که برای او دعا کند. او دچار آسیب شده بود اما احساس می‌کرد که بهتر است تا به شوهرش کمک کند تا اینکه برای وضعیتش ابراز تأسف کند.

نتیجه چه شد؟ نه تنها او عقب نکشید بلکه با کمک همسرش، بیشتر از همیشه به یکدیگر نزدیک شدند. او با اشک‌هایش به من گفت: "دو ماه پیش همسرم ناگهان از دنیا رفت. اگر آن شب با من صادق نبود، او با آن زن رابطه‌ای برقرار می‌کرد و احتمالاً مرا ترک می‌کرد. او بدون آمادگی از دنیا می‌رفت و من در مابقی زندگی باید خود و او را به خاطر رابطه‌ای اشتباه، سرزنش می‌کردم. اما خدا را شکر، این اتفاق نیافتاد." آخرین جمله‌ی همسر او این بود: "دوستت دارم." و من می‌دانستم که این حقیقت است. او این را با اعمالش ثابت کرد. من هر روز خدا را شکر می‌کنم و درباره‌ی همسرم با احترام و تحسین فکر می‌کنم. به خاطر عشق او به خداوند و به من او را تحسین می‌کنم. برای صادق بودنش درباره‌ی کشمکش‌هایش او را تحسین می‌کنم.

شهوت در بستر مخفی کاری رشد و نمو می‌یابد. هیچ عملی نمی‌تواند قدرت شهوت را همانند شفاف بودن خنثی و بی‌اثر بسازد. شخصی می‌گفت: "ما به بیماری خاصی دچار هستیم و آن بیماری، بیماری داشتن رازهای عمیق نام دارد." ارتباط صادقانه شوهر و زن آن‌ها را متعدد می‌سازد. هر چند در ابتدای بحث در مورد وسوسه‌های جنسی دردی احساس می‌شود اما در ادامه آرامش و رشد حاصل می‌آید.

«پس نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف
کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید.» (یعقوب ۵: ۱۶)

در حالی که همسرتان از گناه شما مطلع نیست، اما ممکن است عمیقاً تحت تأثیر آن قرار بگیرد. اگر آن را اعتراف نکنید، به او دو بار خیانت کرده‌اید. یک بار با انجام گناه و بار دوم با اجازه ندادن به او برای بخشنیدن شما. (البته احتیاج نیست که جزئیات عمل شنبیعتان را بیان کنید. بیان واقعیت کفايت می‌کند.)
 شوهران، از همسران تان آن طور که گفتیم کمک بگیرید. زنان، از همسران تان درباره‌ی وسوسه‌هایش پرسید و تحقیق کنید چگونه می‌توانید او را در این امر کمک کنید. اگر او در این مورد صادق است، خدا را شکر کنید. حکیمانه عمل کنید. بسیاری از زنان درباره‌ی مبارزه‌ای که مردان در فکرشان با آن درگیرند اطلاعی ندارند. هرگز پیشنهاد ندهید که شوهرتان به همراه بهترین دوست-تان برای پیاده‌روی تنها شوند. احساس برتری نکنید، چون جایی که او قرار دارد با جایگاه شما متفاوت است. آیا هیچ وقت تسلیم تخیلاتی درباره‌ی مردان، سریال‌های عاشقانه یا رمان‌های مستهجن، یا غیبت و بدگویی شده‌اید؟ آن را نزد همسرتان اعتراف کنید. در کنار او به عنوان یک دوست بایستید، نه دشمن!

بزرگ کردن فرزندان پاک

بعضی وقت‌ها فرزندان از گوش کردن به نصیحت‌های ما سر باز می‌زنند. به ندرت پیش می‌آید که این عمل آن‌ها ما را نگران کند. پسران از پدران خود می‌آموزند که به رقص‌ها، هوازی‌ان تیم‌های ورزشی با لباس‌های نیمه‌عريان یا تبلیغات با زنانی اغوا کننده خیره شوند یا چشمان خود را برگردانند. دختران هم می‌فهمند چشمان پدر به کدام سمت می‌رود. همین‌طور مادرها! بهترین میراثی که می‌توانیم برای فرزندان‌مان بر جای بگذاریم ازدواجی پر از محبت، با احساس و روابطی خالص است. کودکان را برای انتخاب و عواقب حکمت و حماقت به همان‌گونه که در امثال گفته شده است آموزش دهیم. به آن‌ها یاد دهیم تا دوستدار راستی باشند و از گناه متنفر باشند. (مزامیر ۹۷: ۱۰) به آن‌ها خویشن‌داری را یاد دهیم. توانایی برای نه گفتن در زمینه‌های مختلف باعث ایجاد پاکی جنسی می‌شود.

والدین باید کنترلی با محبت و مستحکم بر دوستی‌ها و عادات رسانه‌ای فرزندان خود داشته باشند. ما باید از داشتن استانداردهای دوگانه خودداری کنیم که می‌گویید، فرزندان نمی‌توانند برنامه‌های ناپاک تلویزیونی نگاه کنند، اما ما نگاه کنیم.

از فرزندان خود محافظت کنید. آیا هیچ پدر یا مادری آگاهانه، مجله‌های مستهجن را در کمد پسرش می‌گذارد؟ و بعد می‌گوید: "من به تو اعتماد دارم که نگاه نمی‌کنی؟" این کاری است که ما آن را انجام می‌دهیم. وقتی که اجازه می‌دهیم در اتاق خود کامپیوتری شخصی با اتصال به اینترنت داشته باشد.

نیاز است که والدین لباس‌های خود و فرزندان‌شان را کنترل کنند. مردان وظیفه دارند که اهمیت این موضوع را برای همسران و دختران خود توضیح دهند. زنان، لطفاً باور کنید. وقتی می‌گوییم لباس‌های باز، شلوارک، تاپ یا لباس شنا نامناسب هستند شما می‌دانید من در مورد چه موضوعی سخن می‌گویم.

آموزش جنسی کودکان

هر کودک باید آموزش جنسی مناسب با سنش دریافت کند. اما سوالات متعددی پیش می‌آید: ۱- چه زمانی؟ ۲- کجا؟ ۳- از چه کسی؟ این والدین هستند که باید مسائل جنسی را آموزش دهند.

اگر در مورد این موضوعات اطلاعاتی کافی ندارید، خجالت نکشید. آن‌ها را از منابع مناسب پیدا کنید. از رابطه‌ی جنسی به عنوان امری بیولوژیکی صحبت کنید. سپس درباره‌ی ارزش‌ها، مسئولیت‌ها و ازدواج سخن بگویید.

فرزنده خود را بشناسید که برای چه آماده و برای چه چیزی آماده نیست. به تمام سوالات او با صداقت پاسخ دهید. به شکلی مناسب مناسب با سن و سال فرزندان تان به پرسش‌های آن‌ها پاسخ دهید. به اندازه‌ای به فرزندتان بگویید که نیاز به دانستن دارد. نه بیشتر و نه کمتر.

این کار را به تعویق نیاندازید. رفاه و آسایش فرزندان تان در خطراست. اولین صحبت درباره‌ی روابط جنسی را در زمانی که دختر ۱۵ ساله‌تان باردار است، نداشته باشید!

مثبت باشید. در این باره صحبت کنید که چقدر رابطه‌ی جنسی در ازدواج عالی است. از صحبت درباره‌ی آن‌چه که خدا خلق کرده خجل نباشید.

اگر کس دیگری به کودک شما درباره‌ی رابطه‌ی جنسی آموزش می‌دهد، دقت کنید و ببینید که دقیقاً چه تعلیمی می‌دهد. عفت و پاکدامنی را در خانه آموزش دهید و خود نمونه باشید. اگر خود نمونه نباشید، فرزندان تان باید از کجا آن را یاد بگیرند؟

فصل رهم

اعتراف، پاسخ‌گوئی و سنجش‌بها

«ولی اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او که
امین و عادل است، گناهان ما را می‌آمرزد و
از هر نادرستی پالکمان می‌سازد.» (اول یوحنا ۱:۹)

درست همانند داود که مرتكب قتل و زنا شد ما هم باید مرتبأ خود را تفتیش کنیم برای گناهان مان بی‌درنگ توبه نمائیم. (مزامیر باب ۵۱ را مطالعه کنید). نباید آن اعتراف را به تعویق بیاندازیم.

«هر که گناه خود را بپوشاند،
کامیاب نخواهد شد، اما هر که آن را اعتراف
کند و ترک نماید، رحمت خواهد یافت.» (امثال ۲۸:۱۳)

توبه‌ی حقیقی به معنای از میان برداشتن عوامل وسوسه‌کننده و تغییر گزینه‌هایی است که بی‌جهت ما را در معرض وسوسه و گناه قرار می‌دهند. اما من نمی‌توانم لحظه‌ی اول نگاه خود را کنترل کنم. گاهی واقعاً این جمله درست است. اما اینکه به ساحلی برویم که زنان بسیاری با لباس شنا آن جا حضور دارند و بعد بگوییم: "نمی‌توانم چشمانم را کنترل کنم!" توجیه گناه‌مان است. رفتن به سینما و پائین انداختن سرمان بهتر از نگاه کردن فیلم است. اما بهتر آن است که آن جا را ترک کنیم و حکیمانه‌ترین کار این است که از ابتدا به آن جا نرویم. توبه به معنای روبرگرداندن از ناپاکی نیست، بلکه دور نگاه داشتن ما از جایی است که باید روبرگردانیم. اگر شما مجردید و باکره نیستید، شما می‌توانید خود را به بکارتی ثانویه متعهد کنید و بعد از آن از نظر جنسی پاک باقی بمانید. بخشش به این معنا نیست که گناهان گذشته تأثیری بر

شما نخواهد داشت، اما به این معنا است که شما می‌توانید امروز از تمام آسیب‌ها آزاد شوید و از برکت پاکی لذت ببرید.

با دیدن عواقب گناه نالامید نشوید. درست است، اما این هم درست است که خداوند پاک و پر فیض است. او از خاکستر زیبایی خلق می‌کند. مهم نیست ما مرتکب ما چه گناهی شده‌ایم زیرا لحظه‌ای که توبه می‌کنیم و بخشش او را می‌پذیریم، ما می‌توانیم در کانون توجهی خداوند قرار بگیریم.

او پدری است که پسر گمشده‌اش را در راه برگشت به خانه می‌بیند و آن قدر از اشتیاق لبریز می‌شود که:

«هنوز دور بود که پدرش او را دیده، دل بروی بسو زاند
و شتابان به سویش دویده، در آغوشش کشید
و غرق بوسه‌اش کرد.» (لوقا: ۱۵: ۲۰)

او فیض خود را طوری به ما نشان می‌دهد که دل ما شادمان می‌گردد. او ما را پاک می‌کند و ما را به ظرفی مقدس تبدیل می‌کند. «... مفید برای صاحب خانه ...» (دوم تیموتائوس ۲: ۲۱ را مطالعه کنید). ما موارد بسیاری را از طریق گناه از دست می‌دهیم، اما فیض بخشنده‌ی خدا را از دست نمی‌دهیم.

به دنبال مسئولیت باشید

عضوی فعال در کلیسای بیداری باشید که در محله‌ی شما وجود دارد. (عبرانیان ۱۰: ۲۵) خود را با افرادی احاطه کنید که معیارها و مقیاس اخلاقی شما را بالا ببرند، نه پایین! (اول قرنتیان ۱۵: ۳۳ را مطالعه کنید.) از برادری مسن و بالغ‌تر بخواهید شما را در روش‌های حفاظت از تقدس کمک و راهنمایی کند.

تنها مانده‌اید؟ نمی‌توانید در این مبارزه پیروز شوید؟ از گروهی از دوستان کمک بگیرید. کسی را داشته باشید که بتوانید صبح یا شب برای درخواست دعا به او زنگ بزنید. دوستی دارم که شب یا

روز با کسی که مسئولیت کمک و راهنمایی او را پذیرفته تماس می‌گیرد، بدون توجه به این که وسوسه وجود داشته باشد یا خیر! در بسیاری از موقع تماس می‌گیرد و توضیح می‌دهد که در چه شرایطی قرار دارد و چه چیزی الان دارد باعث لغتش او می‌شود و با پیشی گرفتن از گناه از سقوط خود جلوگیری کرد.

نزدیک به ۲۰ سال پیش، جلسه‌ی هیأت شبانی ما آن‌قدر بزرگ بود که بعضی وقت‌ها بعضی‌ها دیده نمی‌شدند و مسئولیتی به آن‌ها سپرده نمی‌شد. ولی در همان وضعیت من دو به دو همه‌ی شبانان را هر هفته ملاقات می‌کردم و سپس پاسخگوئی در گروه‌ها را با چهار عضو عادی شروع می‌کردیم. با آیاتی که حفظ بودیم شروع کردیم و بعد هر نفر به سوالات کلیدی جواب می‌داد. وضعیت شما با خداوند چگونه است؟ با شریک زندگی تان؟ فرزندان تان؟ با چه وسوسه‌هایی روبرو هستید؟ و چگونه با آن‌ها روبرو می‌شوید؟ چه افکاری در این هفته شما را به چالش کشیده است؟ آیا برای خواندن کلام و دعای منظم وقتی اختصاص داده‌اید؟ پیغام نجات انجیل را با چه کسی در میان گذاشته‌اید؟ آیا در جواب‌های خود دروغی گفته‌اید؟ چگونه می‌توانیم برای شما دعا کنیم و شما را کمک نمائیم؟

افرادی که در این دو فعالیت شرکت داشتند، اذعان کردند که این پربارترین ۹۰ دقیقه‌ی هفته‌ی آن‌ها بوده است. برای اکثر آن‌ها این اولین باری بود که برادری در عیسای مسیح این سوالات را از آن‌ها می‌پرسید.

اکثراً کسانی که به دام گناهان جنسی می‌افتد، فاقد پاسخگوئی جدی و مستقیم هستند. هر چه رهبران مسیحی معروف‌تر شوند به پاسخگوئی بیشتری نیاز دارند که معمولاً این خصیصه در آن‌ها کمتر دیده می‌شود.

من، شما، شبان تان، همسر و فرزندان تان باید همگی پاسخگو باشیم و مسئولیت عمل کرد و نتایج کارهای مان را بپذیریم

مخصوصاً وقتی که گناهی مخفی را دنبال می‌کنیم. آخرین کاری که باید انجام بدهیم این است که چون یک مسیحی جدی عمل نمائیم. زمانی که پاسخگویی بیشتری داریم بیشتر از گناه دوری می‌جوئیم.

در یک بعد از ظهر پائیزی من با وسوسه‌ی جنسی بسیار قوی – ای روپرو بودم. رهایم نمی‌کرد. نهایتاً با برادری تماس گرفتم که قرار بود فردا صبح با او صبحانه بخورم. گفتم: "لطفاً برای من دعا کن، و قول بدہ فردا از من بپرسی امروز چه کردم!" او هم موافقت کرد. لحظه‌ای که تلفن را گذاشتم، وسوسه‌ام دیگر رفته بود. چرا؟ دوست دارم بگوییم چون من آدم خیلی روحانی بودم. ولی حقیقت این است که، راهی برای مخفی کردن این موضوع از آن فرد وجود نداشت چون من فردا صبح در هر حال باید این موضوع را به برادرم گزارش می‌دادم ولی چقدر خوب که مجبور نبودم روز بعد بگوییم خراب کردم.

دوست من ناجی آخرین لحظه‌ی من بود. این کمک فوری، مرا خیلی کمک کرد که مرتكب گناه نشوم و این خیلی بهتر از گزارش هفتگی‌ام به اعضای گروه بود که به آن‌ها بخواهم بگوییم: "خراب کردم!" صداقت در اعتراف بعد از ارتکاب گناه خوب است. اما صداقت در بیان وسوسه خیلی بهتر است.

دوستی که شما در موقع اضطراری با او تماس می‌گیرید کیست؟ کسانی که در رابطه با اعتیاد جنسی از دیگران کمک گرفته‌اند، می‌دانند که می‌توانند بر افراد متعهد دیگری حساب کنند. در این مبارزه به تنها‌یی پیروز نمی‌شوید. وقتی معتادی که اسیر گناه است اعتراف می‌کند "من برای تغییر قدرتی ندارم ..." آن زمان است که او می‌تواند بر قدرتی در خارج از خودش تکیه کند. خدا بالاتر از همه و سپس هم‌زمانش! برای این مردان، ملاقات هفتگی کافی نیست. ممکن است تماس‌های تلفنی روزانه و ملاقات‌های مرتب نیاز باشد. اما امید و کمک برای هر که مایل به

دریافت آن باشد وجود دارد. برای افرادی که به جد خواهان آزادی از اسارت‌شان هستند گروه‌ها و خدماتی وجود دارد که می‌توانند به آن‌ها رجوع کنند.

بهایش را بستجید.

عواقب رابطه‌ی جنسی خارج از محدوده‌ی ازدواج بسیار جدی و همیشگی است. خدواند را نالمید کردن، از دست دادن بکارت، می‌تواند تبدیل به تصویر ذهنی قدرتمندی گردد که تمام زندگی شما را تحت تأثیر قرار دهد و احتمال رابطه‌ی جنسی خارج از ازدواج را بیشتر کند که نتیجه‌اش بارداری ناخواسته و بیماری‌های مقابله‌ی است.

هر رابطه‌ی جنسی قبل از ازدواج بر اساس کتاب مقدس گناه است، اما بارداری گناه نیست. جنین و کودکان موجود در رحم را را مجبور نکنید بهای اشتباه شما را بپردازنند. دیگران به شما کمک خواهند کرد و شما خود را از عذاب وجدان به خاطر سقط جنین نجات خواهید داد، اگر فقط بگذارید آن کودک زنده بماند.

سال‌ها پیش من و دوستم آلن هلواک؛ لیستی از عواقب بی‌اخلاقی‌های خود تهیه کردیم. لیست نابود‌کننده بود و تأثیر آن لیست برای ما از هر موعظه‌ای قدرتمندتر بود. هر روزه به خصوص در زمان مسافرت این فهرست را مرتباً می‌خواندم. مانند چاقویی برنده عمل می‌کرد. هیچ توجیهی کارساز نبود. این لیست مرا با ترسی الهی روبرو ساخت.

تأثیرات هر دو لیست را با هم ترکیب کردیم. می‌توانید این لیست را بررسی کنید و آن را شخصی‌سازی کنید. تأثیرات زنا چیست؟

- ✓ نام خداوند را لکه‌دار می‌کند.
- ✓ مرا مجبور می‌کند روزی به چهره‌ی او نگاه کنم و بگویم چرا؟

- ✓ صدماتی غیر قابل جبران به همسر و فادر و بهترین دوستم نانسی می‌زند.
- ✓ صدمه‌ای دائمی به اعتبار و مرجعیت من نزد دخترانم، کارینا و آنجلاء می‌زند.
- ✓ آبروریزی بزرگی برای خانواده‌ام به بار می‌آورد.
- ✓ به کلیسای خداوند آسیب می‌رساند. به دوستانم و به خصوص کسانی که من به آن‌ها بشارت داده‌ام و شاگردسازی نموده‌ام.
- ✓ از دست دادن تأثیر و اعتبار غیر قابل بازگشت نزد خویشان و دوستان.
- ✓ شاد نمودن شیطان و دشمنی با خدا
- ✓ احتمال ابتلا به بیماری‌های مقاربتی و به خطر انداختن نانسی
- ✓ از دست دادن احترام خود، بی‌اعتبار کردن اسمم و یدک کشیدن شرمی تا آخر عمرم.

این نکات تقریباً نیمی از آن لیست است. اگر پیشاپیش عواقب نابود کننده‌ی بی‌عفتی را بسنجدیم، از ارتکاب آن اجتناب خواهیم کرد.

سخن آخر

مبارزه‌ای که می‌توانیم در آن پیروز شویم.

در کتاب J. R. R. Tolkien's The Hobbit هیچ‌کس بیش از اسمای؛ اژدهای غول‌پیکر قوی‌تر به نظر نمی‌رسید. اما بدون این که اسمای؛ خبر داشته باشد شکافی در زیر شکمش وجود داشت. این برای بارد؛ شکارچی قهار کافی بود.

اسمای؛ بدون اطلاع از نقطه ضعفش و با دست کم گرفتن دشمن خود، دچار شکست شد. تیر بارد؛ به زیر شکمش نفوذ کرد و مردم اطراف دریاچه نجات یافتند. داستانی هیجان‌انگیز با پایانی خوش!

اما وقتی شیطان سر راه مسیحیان قرار می‌گیرد، پایان غم‌انگیز است. شیطان شکافها و نقاط ضعیف زرهی ما را می‌شناسد! هدف‌گیری او به قصد کشت است. همان‌طور که به خود، برادران و خواهرانم در عیسای مسیح نگاه می‌کنم، عمیقاً نگران می‌شوم مخصوصاً وقتی که استانداردهای اخلاقی‌مان را مد نظر قرار می‌دهم. چه بسا در بسیاری از مواقع به شدت برای حفظ نجابت خود ضعیف عمل نموده‌ایم. ما آنچه که به خدای مقدس توهین می‌کند را نگاه می‌کنیم و با آن سرگرم می‌شویم. بدین طریق ناپاکی گسترش می‌یابد و گناه پاورچین، پاورچین به محدوده‌های ما وارد می‌شود و ما خود را بی‌دفاع رها می‌کنیم. خداوند می‌خواهد ما را ببخشد و احیا کند و ما را از جاده‌های مرگ آزاد کند و در مسیر حیات قرار دهد.

زمان آن فرا رسیده که نگاهی عمیق‌تر به ذهن، کلام و اعمال مان بیاندازیم. درست مثل جنگجوی یونانی آچیل؛ قوی‌ترین

ما که ممکن است شکستناپذیر به نظر برسد با ورود تیر به پاشنه، شکست را تجربه کند.

صادقانه و با دقت فکر کنید. آیا قابلیت و گرایش شما نسبت به بی‌عفتی پاشنه آشیل شمامست؟ آیا شکافی در زرهی شما وجود دارد؟ اگر این‌طور است، با مطالعه‌ی این کتاب به عنوان راهنمای روش خوبی را برگزیده‌اید که محتاطانه عمل کنید. عمل به این توصیه‌ها ممکن است جان شما را نجات دهد و خانواده‌تان را از نابودی حفظ کند. شاید کمک کند تا شما از دریافت برکتی که خداوند برای آینده‌ی شما تدارک دیده است، محروم نشوید. کسانی که زندگی و خانواده‌شان نابود شده است، باید در فیض بخساینده‌ی خداوند شادمان باشند. امیدتان را از دست ندهید. کار خداوند با شما هنوز تمام نشده است. صبور باشید، حتی اگر هم اکنون عواقب اعمال گذشته‌تان را درو می‌کنید، مراقب باشید زیرا برخی از آن‌ها متعلق به شما نیستند. به خداوند توکل کنید تا در زمان مناسب محصولی عظیم به خاطر عفت و ایمانی که امروز به آن پاییند شدید را، برداشت کنید.

«زیرا می‌دانید که خداوند به هر کس پاداش
همه‌ی کارهای نیکش را خواهد داد، خواه غلام
باشد، خواه آزاد.» (افسیان ۶: ۸)

خداوند نمی‌خواهد ما هر روزمان را با ترس از سقوط ناگهانی از دست بدھیم او می‌خواهد که در امنیت راهمان را ادامه دھیم، درباره‌ی روش‌های مقاومت با وسوسه‌های جنسی، مرد حکیمی می‌گوید:

«پسرم، خردمندی و دوراندیشی را پاس دار
و مگذار از نظرت دور شوند؛
آن‌ها جان تو را حیات خواهند بخشید
و زینت بخش گردن تو خواهند بود.
آنگاه در امنیت راه خواهی پیمود

و پایت نخواهد لغزید.
چون به خواب روی ترسان نخواهی بود
و چون بیارامی، خوابت شیرین خواهد بود.
نه از بلای ناگهان بیم خواهی داشت
و نه از هلاکت شریران، چون واقع شود.
زیرا خداوند، مایه‌ی اطمینان تو خواهد بود
و او پایت را از دام نگاه خواهد داشت.» (امثال ۳: ۲۱-۲۶)

اگر ما هر روزه با عیسی راه رویم و قلبمان را محافظت کنیم
و بر عهده‌ی که با چشمانمان بسته‌ایم پایبند بمانیم، آن موقع و
 فقط آن موقع است که می‌توانیم در "مسیری امن" قدم برداریم و
 بیمی نداشته باشیم.

سُوالِ آخر

آیا آماده هستید تا این تعهد را اجرا کنید و با تجدید عهد خود در پاکی زندگی کنید؟ اکنون زمان این عهد است. آن را به تعویق نیاندازید، زیرا زمان بسیار زود می‌گذرد.

خداوند جهان را طوری خلق کرده است که به پرهیزگاران پاداش عطا می‌شود و ناصالحان همیشه تنبیه می‌شوند. نجابت و پاکی انتخابی هوشمندانه است و ناپاکی و بی‌عفتی حماقت!

«من، یهوه، کاوشگر دل و آزماینده افکارم؛
تا به هر کس بر حسب راه‌ها یش
و بر وفق ثمره‌ی کارها یش سزا دهم.» (ارمیا ۱۷: ۱۰)

آن گونه زندگی کنید که مطمئن باشید خداوند روزی به شما خواهد گفت: "آفرین، بر تو خادم نیکو و وفادار!" وقتی می‌شنویم که او این کلمات را می‌گوید، می‌دانیم همه‌ی فدایکاری‌های ما ناچیز بوده است. خداوند را با نجابت خود جلال دهید. اگر چنین کنید، شما برکت و پاداش او را نه فقط امروز و فردا، بلکه برای ده سال آینده و تا ابدالاًباد تجربه خواهید کرد. اگر امروز بذر پاکی را بکاریم، پرثمرترین محصول را برداشت خواهیم نمود و به فیض خدا، به زندگی‌مان با پشمیمانی نگاه نخواهیم کرد، بلکه با ستایشی شادمانه.



رندي الکورن؛ بنیان‌گذار سازمان (E.P.M) است. سازمان خیریه‌ای که خود را وقف تعلیم اصول کلام خدا و حمایت از کلیسا برای بشارت به افرادی نموده است که هنوز پیغام نجات به آن‌ها نرسیده است.

قیران، مادران کودکان متولد نشده، افراد بی‌سواند، افراد محروم و فراموش شده در سراسر دنیا. تمرکز سازمان آن‌ها بر انتقال اطلاعات و اهمیت استفاده از زمان، زندگی، پول، شغل و فرصت‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری برای نیازمندان است. خدماتی که تأثیرش تا به ابد باقی می‌ماند. او هدف خود را از طریق تعلیم و استفاده‌ی کاربردی از حقایق کتاب مقدس محقق می‌سازد.

رندي؛ بیش از چهل کتاب را به نگارش درآورده است. کتاب مرگ یا حیات یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های اوست. کتاب او برنده‌ی جایزه‌ی مдал طلایی شده است. بیش از هفت میلیون نسخه از کتاب‌های او به چاپ رسیدند و به بیش از سی زبان دنیا ترجمه شده‌اند. او مهمان برنامه‌های مختلف تلویزیونی و رادیویی بوده و نویسنده‌ی صد‌ها مقاله برای مجلات مختلف است. رندی؛ در گرشام اورگون با همسرش نانسی؛ زندگی می‌کند. آن‌ها دو دختر متأهل به نام‌های کارینا و آنجلادارند و پدر بزرگ و مادر بزرگ پنج نوه هستند.



برای کسب اطلاعات بیشتر به تارنمای زیر مراجعه فرمائید.

www.farsilibrary.com